پژوهشنامه خراسان بزرگ
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۸
No.35 Summer 2019
۹۲-۷۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۱

کشاکش امنیتی، مرزی و دیپلماسی ایران و روسیه در مرزهای شمال خراسان در دوره ناصرالدین‌شاه (مطالعه موردی کلات نادری)

➢ **مهدی وزینی افضل:** عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه جیرفت

چکیده

یکی از موضوعات مغفول در خراسان بعد از معاهده آخال، سیاست‌های نفوذ روسیه در مرزهای شمالی خراسان و کلات نادری است. هدف از این پژوهش با تکیه‌بر روش توصیفی-تحلیلی و با توجه به اسناد آرشیوی پاسخ به این پرسش است که روس‌ها به دنبال چه اهداف سیاسی و اقتصادی در شمال خراسان، به‌خصوص در کلات نادری بودند و حکومت قاجار در برابر این سیاست‌های منطقه‌ای روسیه، چه نوع دیپلماسی و سیاستی در پیش گرفت؟ با نگاهی جزئی‌نگر و با رویکردی تحلیلی-تطبیقی، یافته‌ها حاکی از آن است که بعد از شکست مرو و پایان نفوذ ایران در آسیای میانه، حکومت قاجار در مرزهای شمالی خراسان، با بحران‌ها و چالش‌های عدیده‌ای مواجه گشت. پیشروی روس‌ها در منطقه آسیای میانه و ادعای جدید آن‌ها مبنی بر مالکیت بخش‌های جدیدی از نقاط مرزی همچون سرخس کهنه و دخالت آن‌ها در امور کلات نادری و درگز، حساسیت ناصرالدین‌شاه را برانگیخت. به همین دلیل به دستور شاه و تلاش وزارت امور خارجه ایران، دیپلماسی بین‌المللی ایران فعال‌تر شد و ایران از نفوذ انگلستان در منطقه برای پیشبرد اهداف خود و فشار به دولت روسیه استفاده کرد. از طرفی حکومت قاجار با تقویت قدرت نظامی خود در خراسان، واگذاری اختیار بیشتر به والیان این منطقه، اعزام مهندسین نقشه‌کش و استفاده از جاسوسان سعی کرد موازنه قدرت را در منطقه به نفع خود تغییر و یا حداقل وضع موجود را حفظ نماید.

واژگان کلیدی: کلات نادری، قاجار، روسیه، دیپلماسی، خراسان

Abstract

One of the most neglected issues in Khorasan after the Akhal Treaty is Russia's policies of influence on the northern borders of Khorasan and Kalat-e-Naderi. With regard to archival documents, the purpose of this descriptive-analytical study is to answer the following questions: what political and economic goals the Russians were seeking in northern Khorasan, especially in Kalat-e-Naderi? And what diplomacy and policy did the Qajar government pursue against these Russian logistics policies? In a detailed and analytical-comparative approach, the findings represent that after the Merv defeat and the end of Iranian influence in Central Asia, the Qajar government on the northern borders of Khorasan faced many challenges and crises. The Russians' advance in the Central Asian region and their new claim of ownership of new parts of the border, such as Sarakhs and their involvement in the Kalat-e-Naderi and Dargaz affairs, aroused the anger of Nasser al-Din Shah. For this reason, at the behest of the Shah of Iran and the efforts of the State Department, Iran's international diplomacy became more active, and Iran used British influence in the region to pressure the Russian government. Also, by strengthening its military power in Khorasan, increasing the power of local rulers, dispatching mapping engineers and using spies, the Qajar government sought to maintain or balance the power in the region in its favor.

Keywords: Kalat-e-Naderi, Qajar, Russia, Diplomacy, Khorasan

*نویسنده مسئول مکاتبات: مهدی وزینی افضل (۰۹۱۲۵۳۴۷۷۲۰) (Drmahdivazin@gmail.com)

مقدمه

در قرن سیزدهم هجری/ نوزدهم میلادی، حضور روسیه در آسیای میانه به‌صورت فزاینده‌ای افزایش و ایران در مدار چالش‌های امنیتی و مرزی جدیدی قرار گرفت. پیشروی روسیه در آسیای میانه و شمال شرق ایران را می‌توان ترکیبی از سیاست‌های روسیه در دستیابی به آب‌های گرم و آزاد و افزایش قدرت سرزمینی و درنهایت وصول به اهداف تجاری و تأمین مواد خام اولیه دانست که لاجرم ایران در این چالش‌های منطقه‌ای روسیه، نقش قربانی را ایفا می‌کرد. روس‌ها ابتدا با ایجاد راه‌آهن ماورای خزر بر ترکمن‌ها و ازبک‌ها غلبه کردند و سپس دست‌اندازی به مرزهای سنتی ایران را در برنامه‌های خود قرار دادند. حکومت قاجار به‌واسطه از دست دادن شهرهای قفقاز و همچنین قرارداد پاریس و پایان نفوذش در افغانستان، دچار بحران مشروعیت نظامی شده بود و علاقه‌ای به بحران جدیدی که مرزهای آن را کوچک‌تر کند نداشت، اما نشانه‌های یک دولت قدرتمند نظامی هم در او مشاهده نمی‌شد تا بتواند در برابر روس‌ها مقاومت کند. بنابراین سیاست مداری و دیپلماسی را به‌جای جنگ و درگیری انتخاب کرد و سعی نمود حوادث تلخ جنگ‌های قفقاز و نتایج آن را متحمل نگردد.

مطامع و سیاست روسیه در آسیای میانه پایانی نداشت و به‌تدریج شهرهای شمال خراسان ازجمله مرو، سرخس، کلات و درگز در این کلان طرح راهبردی روسیه قرار گرفتند و اهمیت نظامی و سیاسی آن‌ها وارد مرحله جدیدی شد. در این بین جایگاه کلات نادری حائز اهمیت بود. این شهر دارای موقعیت سوق‌الجیشی بود و از دیرباز نقش حفاظتی خراسان را در برابر مهاجمان شمالی ایفا می‌کرد. حکومت ناصرالدین‌شاه (حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳ق/ ۱۸۹۶-۱۸۴۸م) در معاهده آخال (۲۷ شوال ۱۲۹۸ق/ ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱م) و معاهده قراردادهای مرزی سعی کرد حاکمیت خود را بر کلات و سرخس تحکیم کند و اجازه ندهد این دو منطقه راهبردی، سرانجامی همچون عشق‌آباد و مرو داشته باشند. برای نیل به این مقصود، حکومت قاجار از ابزار دیپلماسی به‌خصوص کشاندن انگلستان به درگیری‌های منطقه‌ای استفاده کرد. انگلستان از طریق مداخله مستقیم نظامی همچون بحران‌های هرات و مداخلات روزافزون در عرصه سیاسی می‌کوشید منافع سنتی خود در ایران را تأمین کند. حضور روسیه در مرزهای شمال شرق ایران، هشداری برای منافع انگلستان به شمار می‌رفت، اما انگلستان حاضر به پذیرش هرگونه حرکتی علیه روسیه نبود و لندن خط قرمز خود را شهر هرات و شمال افغانستان قرار داد. بنابراین در عرصه دیپلماسی نیز حکومت قاجار موفق نبود و ناچار شد پشت دیواره‌های سرخس و کلات حالت تدافعی به خود بگیرد و تجهیزات نظامی این دو منطقه را تقویت نماید.

پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر پژوهش‌های اسنادی همچون *اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی*، *اسناد آصف الدوله از خراسان*» و *اسناد تصویری کلات نادری و سرخس* اشاراتی در زمینه پژوهش حاضر داشته‌اند، اما بیشتر تمرکز این اسناد و پژوهش‌ها بر مکاتبات اداری، سیاسی و نظامی والیان خراسان با تهران و بالعکس است. همچنین در مقالات چاپ‌شده همچون *تأملی در قوانین سرحدی کلات در عصر قاجار* و *طرح‌های نظامی و راه‌سازی روسیه تزاری در ایران* در مورد سیاست‌های روسیه در شمال شرقی ایران و به‌صورت پراکنده در مورد مسائل کلات، به ارائه نکاتی پرداخته‌اند.

روش پژوهش

مقاله حاضر با توجه به اهمیت موضوع، درصدد پاسخگویی به این سؤالات است که سیر تطور جغرافیای تاریخی کلات نادری چگونه بوده است؟ روس‌ها چگونه از ترکمانان به‌مثابه ابزاری جهت فشار به ایران در کلات نادری استفاده کردند؟ راه‌آهن ماورای خزر در چالش‌های جدید مرزی با حکومت ایران چه نقشی ایفا کرد؟ و درنهایت حکومت قاجار در برابر سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه در مرزهای شمال شرق خراسان و در کلات نادری، از چه ابزارهایی بهره جست؟ این مقاله با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر اسناد آرشیوی به دنبال پاسخگویی به این سؤالات پژوهش است.

توپونومی و جغرافیای تاریخی کلات نادری

شهرستان کلات نادری، شهری در شمال شرق ایران و در فاصله ۱۴۵ کیلومتری شمال مشهد است. این شهر دژ طبیعی بیضی‌شکلی است که ۳۶ کیلومتر طول و ۱۲ کیلومتر عرض دارد و مانند قلعه‌ای دفاعی محصور شده طبیعی

است که آن را تبدیل به پدافند دفاعی غیرعامل خراسان کرده بود (پاپلی یزدی، ۱۳۶۷: ۴۴۳). به همین دلیل کلات در طول تاریخ ایران، به دژی تسخیرناپذیر تعبیر شده است که بسیاری از مخالفان سیاسی و نظامی یا به آن پناهنده می‌شدند و یا از کلات به‌عنوان اهرمی فشار علیه حکومت مرکزی بهره می‌جستند. کلات در دشتی به نام اتک واقع است که از شرق با سرخس، از غرب با درگز، از جنوب با مشهد و چناران و از شمال با کشور ترکمنستان هم‌جوار است[1] و در نزدیکی مناطقی همچون چهچهه، دوشاخ، تجن و مرو در خاک ترکمنستان کنونی است که در دوره قاجار و قبل از تسلط روسیه بر آن‌ها، مراکز نظامی ایران در آسیای میانه محسوب می‌شدند. منطقه کلات از دوره باستان مرکز توجه اهل خراسان واقع بود و حتی در شاهنامه فردوسی در تنازع میان فرود پسر سیاوش با تورانیان نقش ایفا می‌کند و محل تدافعی فرود در آن می‌شود (فردوسی، ۱۳۸۹: ۷۲-۶۶). استفاده ایرانیان از کلات به‌عنوان دژی دفاعی در برابر تورانیانی که محدوده قدرت آن‌ها در آسیای میانه دانسته شده است، یادآور این نکته است که ژئوپلیتیک کلات می‌تواند همان نقش را در دوران صفوی و در درگیری صفویان با ازبکان و در دوره قاجاریه در درگیری بین حکومت قاجار و ترکمانان ایفا کند.



نقشه شماره ۱: نقشه شهرهای شمال خراسان

کلات در لغت به معنی قلعه یا دهی بزرگ است که بر سر کوه یا پشته بلندی قرار گرفته است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۱/ ۱۶۲۵۷) و این نام به دلیل جغرافیای خاص کلات به آن داده شده است؛ زیرا این شهر در فلاتی پر عارضه و ناهموار واقع‌شده که تمام اطراف و اکناف آن را کوه‌های بلند و غیرقابل نفوذ فراگرفته است و بر طبق گزارش سیاحان مختلفی که به این نقطه سفر کرده‌اند، دسترسی به آن فقط از طریق پنج دروازه ورودی ارغون، نفته، ده چاه، چوب‌بست و کُشتنی امکان‌پذیر بوده است که در این بین فقط دو مسیر برای گذر واحد توپخانه باز بود. (گرگر، ۱۳۶۸: ۲/ ۶۲). البته واژه کلات در ایران نامی پرکاربرد برای مناطق کوهستانی است که مهم‌ترین آن منطقه کلات در سیستان، مناطق کلاته در مازندران و شهر کلات نادری در خراسان است. شهر کلات در دوره‌های مختلف نام‌های متفاوتی را تجربه کرده است اما بعد از حضور نادرشاه افشار (حک: ۱۱۶۰-۱۱۴۸ق/ ۱۷۴۷-۱۷۳۵م) در این منطقه، چهره حماسی نادر بر این منطقه سایه افکند و نام کلات نادری بیشتر برای آن استفاده شد. در دوره قاجار در گزارش‌ها و اسناد مختلف هر

۱. ر.ک: نقشه شماره ۱.

دو واژه «کلات» و «کلات نادری» برای آن استفاده می‌شود به‌طور مثال در گزارش‌هایی که از ناصرالدین‌شاه در دسترس است او به هر دو واژه اشاره دارد[1] (قاجار، ۱۳۶۴: ۱۳۹، ۱۲۴).

در دوران اسلامی، حضور سامانیان در خراسان، باعث مطرح‌شدن نام کلات در منابع اسلامی شد به‌خصوص زمانی که ابوعلی سیمجور سپهسالار خراسان در درگیری با سبکتکین ناچار شد به سمت کلات فرار کند و در آنجا قوای خود را بازتولید کند. عتبی در کتاب ترجمه تاریخ یمینی به‌عنوان اولین منبعی شناخته می‌شود که به کلات توجه می‌کند و دوران پرشکوه گذشته آن را با این جمله تداعی می‌کند: «این قلعه‌ای است که با عنان آسمان هم‌عنان است و از حوادث زمان در امان، مرغ بر آسمان قصرش مکنت پرواز نیابد و وهم در آستانه رفعتش نرسد» (عتبی، ۱۳۴۵: ۱۲۲). در دوران اسلامی تا دوره قاجار، کلات جایگاه خود را همچنان به‌عنوان دژی که محل تحصن مخالفان سیاسی و نظامی مدعیان قدرت در خراسان بودند حفظ کرد. در این بین تحصن سلطان محمد خوارزمشاه در کلات در برابر مغولان[2]، فرار ارغون سردار مغولی به کلات و تبدیل این منطقه به مرکز قدرت و ثروت نادر در خراسان، از مهم‌ترین حوادث این دوران بود.

کلات در دوره نادر از یک قلعه مستحکم تبدیل به یک منطقه مهم و پرآوازه در تاریخ‌نگاری ایرانیان می‌شود و به‌مراتب نام آن در اسناد و مدارک و کتب تاریخی این دوره مشاهده می‌شود. نادر در شهر ابیورد دوران جوانی خود را در کنار باباعلی کوسه سپری کرد. در این زمان کلات جز مناطق ابیورد به شمار می‌رفت و حضور نادر در کلات، او را وابسته به این منطقه کرد و در همین دوران است که نادر با ویژگی خاص کلات بیشتر آشنا شد. هنگامی‌که طهماسب میرزا (۱۱۴۱-۱۱۳۵ق/ ۱۷۲۸ -۱۷۲۲م) با کمک نادر بر ملک محمود سیستانی غلبه کرد، نادر از طرف حاکم صفوی، به حکومت کلات، ابیورد و نسا گماشته شد بنابراین رشد سیاسی نادر در کلات رقم خورد. هنگامی‌که نادر عملاً قدرت کامل سیاسی را در ایران به دست گرفت، سازه‌های زیادی در کلات ساخته شد. ساخت عمارت خورشید، بند نادری و انتقال آب به کلات از طریق شبکه بزرگ لوله‌گذاری، اقداماتی بود که نادر در آن انجام داد. همچنین انتقال ثروت به یغما برده هندوستان به کلات[3]، تاریخ‌نگاران رسمی دوره نادری را به این سمت سوق داد که رؤیاهای صادقانه‌ای ساخته و پرداخته کنند که در آن تیمور گورکانی پیش‌بینی می‌کند در کلات فردی به قدرت خواهد رسید که بر دنیا مستولی خواهد گشت (مروی، ۱۳۶۹: ۱/ ۱۶-۱۵). بازگو کردن این خواب‌ها و شبیه‌سازی عمارت خورشید به مقبره تیمور گورکانی در سمرقند، تلاش‌هایی جهت تبدیل جایگاه کلات به یکی از ابزارهای مشروعیت بخشی نادر بودند.

ترکمانان به‌مثابه ابزاری جهت فشار به ایران در کلات نادری در دوره قاجار

دوره قاجار به دلیل حضور روسیه و انگلستان در آسیای میانه و شکل‌گیری روندی که به «بازی بزرگ» موسوم شد، شهرهای شمال خراسان را تبدیل به مناطق پراهمیتی کرد که تحولات آن فراتر از تاریخ‌نگاری محلی بود و پای دولت‌های غربی و روزنامه‌های خارجی ازجمله دیلی نیوز[4] لندن به آن باز شد[5]. در این بین سرخس و کلات تبدیل به مناقشه‌ای حساس برای دو دولت روسیه و ایران شد بنابراین تحولات کلات در دوره قاجار از دو بُعد داخلی و خارجی قابل‌تحلیل است. فرایندی که با دوره‌های قبل از خود فاصله دارد و دیگر مسئله شهرهای خراسان و کلات، یک پدیده داخلی محصور به فعالیت‌های نظامی مخالفان حکومت مرکزی نیست بلکه

۱. اکثر اروپاییانی که به ایران سفر کرده‌اند واژه «کلات نادری» «حصار نادری» را برای این شهر به‌کاربرده‌اند و اکثر سفرنامه نویسان داخلی برای کوتاه کردن جمله، واژه «کلات» را به‌کاربرده‌اند. اما اتفاق‌نظر بر این است واژه «کلات نادری» سال‌ها قبل از دوره قاجار بر این شهر تثبیت شده بود (گرگر، ۱۳۶۸: ۲/ ۵۹).

۲. در مورد اتفاقات و رویدادهای درگیری مغولان با سلطان محمد خوارزمشاه در کلات، ر.ک: (جوینی، ۱۳۶۵: ۲/ ۱۰۹).

۳. در مورد انتقال خزائن ثروت از هندوستان به کلات بنگرید به (بازن، ۱۳۶۵: ۴۹).

4 . Daily news

۵. برای بررسی سفر خبرنگار اختصاصی دیلی نیوز لندن به شمال خراسان و کلات و اسارت این خبرنگار به دست ترکمانان، ر.ک: (آدنوان، ۱۳۹۶).

پدیده‌ای جهانی با چالش‌های نوین آمیخته با دیپلماسی بین‌المللی و حساسیت‌های منطقه‌ای است. از بُعد داخلی، در اواخر دوران محمدشاه و اوایل دوران ناصری، شورشی در خراسان شکل گرفت که دنباله همان چالش‌های قدرت‌های ایلی و مدعیات سلطنت است. شورش سالار در خراسان (۱۲٦٦-۱۲٦۰ق/ ۱۸۴۴-۱۸۵۰م) و استفاده از کلات به‌عنوان دژی مستحکم یادآور کاربردهای گذشته کلات در برآیندهای سیاسی خراسان بود. در این اتفاق، سالار، جعفرخان و بزرگان خراسان که از حکومت مرکزی شکست‌خورده بودند، سعی کردند به کلات فرار کنند و از ویژگی‌های تسخیرناپذیری این قلعه برای ساماندهی مجدد نیروهای خود بهره ببرند. در این بین سلیمان خان درگزینی حاکم کلات با کمک رستم خان چولائی از ورود شورشیان به کلات جلوگیری و آن‌ها را ناچار کردند به سمت بجنورد فرار و در قلعه بجنورد پناهنده شوند (استادوخ، کارتن ۹۹، سریال ۴۸، پرونده ۱۹؛ کارتن ۹۹، سریال ۱۹/۰/۱۹/۱، پرونده ۲۳؛ کارتن ۹۹، سریال ٦۷، پرونده ۱۹). اسناد وزارت امور خارجه نشان می‌دهد شورش ناموفق سالار در خراسان، از آخرین تلاش‌های این‌چنینی در کلات است و از این تاریخ به بعد و با ورود ایران به عرصه تحولات جهانی، ماهیت کلات و دید حکومت مرکزی به کلات از یک قلعه پردردسر تبدیل به یک مرکز راهبردی و بر مبنای هویت ملی برای ایرانیان شد.

از بُعد خارجی، دوره قاجار مصادف با بروز پدیده امپریالیست نوظهور روسیه است که به‌صورت طبیعی با مرزهای ایران چالش پیدا کرد. قبل از درگیری مستقیم ایران و روسیه در منطقه قفقاز، روس‌ها در دوره پطر کبیر[1] پیشروی در آسیای میانه را مدنظر قرار دادند. منطقه‌ای که ساکنان اکثریت آن ترکمانان، ازبکان و قرقیزها بودند و ایرانیان به‌صورت سنتی ترکمانان را از رعایای لجام‌گسیخته و ازبکان را دشمنان تحریک‌شده شمالی خود می‌دانستند که زیر لوای حکمت مرکزی در عشق‌آباد، مرو، سرخس، قزل سو و خیوه ساکن بودند. اما در عمل مشکلات داخلی و بحران‌های مالی باعث گردیده بود در برنامه‌های حکومت‌های حاکم بر ایران، آسیای میانه در اولویت قرار نداشته باشد و نادرشاه از آخرین حاکمانی بود که سعی داشت حاکمیت نیم‌بند ایران را در آسیای میانه تحکیم و تثبیت کند. طرح تسلط بر آسیای میانه از جانب پطر کبیر کلید خورد و به‌وسیله الکساندر اول[2] پیگیری شد اما اولین گام‌های روسیه در منطقه آسیای میانه با شکست آن‌ها در خیوه از خان‌نشین آنجا همراه بود (Allworth, 1967: 7-29).

پس از پایان جنگ‌های دوم ایران و روسیه در سال ۱۲۴۴ق/ ۱۸۲۸م، ظاهراً توسعه سرزمینی روسیه در مرزهای ایران متوقف شد و مناسبات دو قدرت در چارچوب مبادلات دیپلماتیک و تجاری محدود گردید اما سوءظن نسبت به رفتار روسیه و تهدید منافع ایران در مرزهای شمالی، سیاست‌مداران ایرانی را همواره آماده تحول و اتفاقی جدید کرده بود که می‌بایست در آن اشتباهات جنگ‌های قفقاز را تکرار نکرد. با تسلط روسیه بر قفقاز، سیاست تزارها بر پیشروی در آسیای میانه متمرکز شد که در آن ازبکان و ترکمانان هر از گاهی منافع روسیه را تهدید می‌کردند. بحران هرات در دوره محمدشاه (حک: ۱۲٦۴-۱۲۵۰ق/ ۱۸۴۸-۱۸۳۴م)، حمایت ضمنی روسیه را به دنبال داشت. حمایتی که نشان می‌داد در معادلات منطقه، روسیه برای فشار بر انگلستان از طریق هرات آمادگی لازم را دارد. پشت پرده بحران هرات برای ایران، فرصت برای روسیه بود، بحرانی که به پارگی پیوندهای میان ایران و انگلیس و نزدیک شدن ایران به روسیه انجامید. روس‌ها به رهبری سردار خود پروسکی[3] یک عملیات جدید اما باز ناموفق را در سال ۱۲۵۵ق/ ۱۸۳۹م برای تسلط بر خیوه انجام دادند. این دو رویداد باعث رویارویی غیرمستقیم انگلستان و روسیه در آسیای میانه، شروع بازی بزرگ و استفاده از برگ ایران در چالش‌های سیاسی گردید. اولین قدم‌های موفق روسیه به‌منظور تسلط بر آسیای میانه در اواخر دوره سلطنت محمدشاه برداشته شد. روس‌ها موفق شدند خانات خوقند را در سلسله نبردهایی شکست دهند و بر منطقه بزرگی از سرزمین قرقیزها یعنی از سیحون تا دره ایلی و کوهستان سمیرچیه[4] مسلط شوند و در آنجا

1 . Peter Great

2. Alexander I

3. Perovski

4. Semirechye

پادگان‌های نظامی ایجاد کنند. چالش جدی روس‌ها بعد از تفوق بر قرقیزها، پیشروی به‌سوی سرحدهای سنتی ایران بود.

در این بین ترکمانان بازی دوگانه‌ای در پیش‌گرفته بودند که مبنای آن دوری از هرگونه چالش بزرگ با روس‌ها و نامه‌نگاری با نیروهای مستقر انگلیسی در منطقه بود. آنان توانسته بودند از زیر قدرت دیرینه ایران تا حدودی خارج شوند و حکومت نوپایی تشکیل دهند. از دیدگاه روس‌ها، ترکمانان عناصری مزاحم برای نظم آسیای میانه و آزادی تجارت بودند و همین بهانه برای سرکوب چنین مزاحم‌هایی کافی بود. از نظرگاه ایرانی‌ها نیز ترکمانان خطری بالقوه برای امنیت مرزهای خراسان و حیثیت ایران در سمت شمال رود اترک به شمار می‌رفتند. اما بر روی کاغذ همچنان ایران تأکید داشت آنان خراج گذار حکومت ایران هستند تا در نقشه‌اینده منطقه سهمی داشته باشد. بر باور عموم قدرت‌های خارجی، ایران نه‌تنها توانایی تسلط و مدیریت ترکمانان را نداشت بلکه حتی نمی‌توانست امنیت مرزهای خراسان را از حمله گاه و بیگاه ترکمانان مصون نگه دارد. از نمونه‌های حمله‌های این‌چنینی، حمله دسته‌ای از ترکمانان به رهبری آزادخان ترکمن به سرخس و کلات بود که ناامنی گسترده‌ای در منطقه‌ایجاد کرده بود (استادوخ، کارتن ۹۹، سریال ۴۹، پرونده ۱۹).

از دوره عباس میرزا و امیرکبیر (۱۲۶۷-۱۲۶۴ق/ ۱۸۵۱-۱۸۴۸م)، برنامه‌های حکومت ایران تثبیت موقعیت ایران در منطقه مرو و نفوذ در بین قبایل ترکمن آخال و تکه بود. سلطان مراد میرزا فرمانروای خراسان (۱۲۹۹-۱۲۳۷ق/ ۱۸۸۲-۱۸۲۲م) با کشتن محمدامین حاکم مرو، دوره‌ای کوتاه تسلط ایران بر مرو را تثبیت نمود اما شکست تاریخی حمزه میرزا از ترکمانان مرو در سال ۱۲۷۶ق/ ۱۸۵۹م گسستی بر تسلط سنتی ایران بر ترکمانان و پایانی بر نفوذ ایران در آسیای میانه گردید و زمینه برای تفوق بازیگران جدید منطقه‌ای باز شد. شکست مرو به حدی برای حکومت ایران ناگوار و دردناک بود که سال‌ها خاطره این شکست، به احتیاط نقل می‌شد و قبایل سالور که سپاهیان ایران را به صحرای بی‌آب‌وعلف کشانده و باعث نابودی سپاه ایران شده بودند، مورد نفرت شاه و مردم ایران بودند. به‌طوری‌که ناصرالدین‌شاه هر زمان نام این طایفه می‌آمد، به‌شدت عصبی می‌شد و خواهان سرکوب سخت آن‌ها می‌گردید. او بعد از این شکست، دستورات اکید، جدی و پی‌درپی به والی خراسان و نظامیان حاضر در منطقه ارسال کرد و در پیام‌هایی صریح، خواهان تار و مار کردن سخت ترکمانان، تأمین بودجه و آذوقه برای نظامیان و ساخت قلعه‌های دفاعی در مشهد، سرخس و کلات، بود (ساکما، ش ۲۹۵/۲۹۷۹، برگ ۲-۱). این گزارش‌ها و نام مکان‌هایی که دستور داده شد در آن‌ها قلعه‌های دفاعی ساخته شود، نشان می‌دهند شاه ایران به این درک رسیده بود که قادر به حفظ عشق‌آباد و خیوه نیست و تمرکز حکومتش را دفاع از مرزهای شمالی خراسان و جنوب رود اترک قرار داد. شکست مرو یک روی دیگر داشت. شکست مرو باعث خروج ایران از رقابت منطقه‌ای در آسیای میانه شده بود و ایران نتوانسته بود سپاهی ناهمگون و آموزش ندیده ترکمانان را شکست دهد به چه ترتیب می‌توانست در صورت مداخله روسیه قدرتمند، در برابر آن مقاومت کند و از حیثیت سنتی خود در منطقه دفاع کند؟

دولتمردان ایران دچار آشفتگی دوگانه‌ای شده بودند. ترکمن‌ها، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به خراسان و مردم منطقه وارد کرده بودند. آن‌ها با حملات گاه و بیگاه به شهرهای مرزی، روستاها و شهرها را چپاول می‌کردند، دام‌ها را به یغما می‌بردند، به تجارت آسیب می‌زدند، فرزندان و زنان را می‌دزدیدند و به‌عنوان برده می‌فروختند و عملاً امنیت را در خراسان دچار وقفه کرده بودند (استادوخ، کارتن ۹۹، سریال ۵۸، پرونده ۳۱). بنابراین سرکوب این ترکمانان مزاحم به‌زعم ایران، حکومت و مردم را از خطرات آن‌ها مصون می‌کرد. از طرف دیگر روس‌ها به‌مراتب از ترکمانان می‌توانستند خطرناک‌تر باشند. حکومت قاجار تجربه تلخی را در مواجهه با روس‌ها در قفقاز داشت و تکرار وقایع گذشته و اشتباهی محاسباتی می‌توانست موجبات جدایی سرزمین‌های بالای رود اترک، استرآباد و یا حتی خراسان شود. در همین راستا، ناصرالدین‌شاه به روس‌ها اطلاع داد در سرکوب ترکمانان باید ایران نیز شرکت داده شود. هدف حکومت ایران این بود نشان دهد ترکمانان و به طبع سرزمین‌های آن‌ها جزئی از خاک ایران است و حکومت قاجار در سرنوشت این سرزمین‌ها سهیم است.

همایش سن‌پترزبورگ[1] باقدرت‌نمایی تزار الکساندر دوم[2] و صدراعظمش گورچاکف[3]، در واقع مشروعیت بخشی طرح‌های نظامی آینده روسیه در آسیای میانه بود. به‌زعم برگزارکنندگان این گردهمایی، ترکمن‌ها نه‌تنها رعیت حکومت ایران به شمار نمی‌رفتند بلکه سرکوب آن‌ها و تسلط بر سرزمینشان، حکومت ایران را نیز از خطرات آن‌ها آسوده‌خاطر می‌کرد. بنابراین نیروهای نظامی روسیه از چند جهت وارد نبرد با ترکمانان شدند.

دسته‌ای از نیروهای نظامی روسیه، به رهبری ژنرال رومانوفسکی[4] در سال ۱۸۶۵م/۱۲۸۱ق بخارا و خجند و در سال ۱۲۸۴ق/۱۸۶۸م سمرقند را از دست ترکمانان خارج کردند و ایالت ترکمنستان را تشکیل دادند و کافمن[5] را به حکومت آنجا گماردند. دیگر هیچ دلیلی وجود نداشت تا پیشروی روس‌ها را به سمت خیوه، مرو احتمالاً هرات باز دارد (ترنزیو، ۱۳۶۳: ۶۳). از طرف دیگر پایگاه مهم ترکمانان در قزل‌سو[6] باید ساقط می‌شد تا ارتباط ترکمانان با دریای خزر قطع گردد و منابع مالی و تجاری آن‌ها محدود شود. بنابراین در سال ۱۲۸۵ق/ ۱۸۶۹م ترکمانان قزل سو قتل‌عام شدند تا بدین ترتیب ترکمانان از سمت شمال و شرق آماج حملات تند روس‌ها قرار گیرند. سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه به فئودورویچ[7] سفیر روسیه در تهران اخطار کرد روس‌ها با حمله به قزل سو عملاً حاکمیت ایران را نقض کرده‌اند و مرز روس‌ها در شمال قزل سو است (ساکما، ش ۲۹۵/۲۲۵۹، برگ ۱). این ادعای ایران نه از طرف روس‌ها مورد توجه بود و نه از نگاه لیبرال‌های انگلستان که در سخن و عمل زاویه شدیدی با روسیه و سیاست‌های این کشور در آسیای میانه داشتند. روس‌ها در جواب حکومت ایران در قبال تصرف قزل سو، بر این باور بودند ترکمانان رعیت هیچ‌کدام از حکومت‌های ایران و روسیه نیستند و تنبیه آن‌ها باعث آسودگی خاطر هر دو حکومت و تأمین امنیت مرزهای دو کشور خواهد شد. همچنین مورخین روسی ادعا می‌کنند ناصرالدین‌شاه تلویحاً قبول کرده بود روس‌ها در ساحل راست اترک آزاد هستند و اقدامات آن‌ها در روستاهای مرزی قزل سو، منافع ایران را به خطر نمی‌اندازد (گرودکوف، بی‌تا: ۲۴۳؛ نیکولایف، ۱۳۸۴: ۵۰)

خان‌نشین خیوه آخرین سنگر ترکمن‌های مخالف روسیه در آسیای میانه بود. با تصرف خیوه عملاً پیشروی‌های روس‌ها در آسیای میانه تثبیت می‌شد. بنابراین روس‌ها هرگونه مذاکره با خان‌نشین خیوه با میانجی‌گری انگلستان را که باعث تأخیر در عملیات جنگی می‌شد جایز ندانستند و در سال ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م از سه جهت به‌سوی خیوه حمله کردند و با تسلیم شدن خان خیوه، بدون درگیری مهمی، این خان‌نشین سقوط کرد. (ماگامان، ۱۳۰۴ق: ۴۰۱-۳۹۷). سقوط خیوه به دست ژنرال بلندپرواز روسیه به نام پتروویچ کافمان در سال ۱۲۸۹ق/ ۱۸۷۳م، آخرین پایگاه بزرگ ترکمانان را در منطقه از بین برد و ایران علاوه بر قفقاز، ناچار شد در مرز طویل خراسان، با امپریالیست روسیه هم‌مرز شود. انگلستان نیز که خط قرمز خود در آسیای میانه و شمال افغانستان را شهر مرو و هرات می‌دانست، خطری جدی روس‌ها را درک کرد. بنابراین ایران به یک بازی ناخواسته‌ای وارد شد که به بازی بزرگ موسوم گشت. زمین این بازی ابزارهایی نیاز داشت که ایران فاقد آن‌ها بود.

بعد از سقوط اکثر پایگاه‌های ترکمن‌ها، روس‌ها هدف خود را تسلط بر مرو و هرات قرار دادند. بنابراین پیشروی خود را به سمت مرو ادامه دادند و در سال ۱۲۹۰ق/ ۱۸۷۴م روستای قراقلعه، عشق‌آباد و گیوگ تپه را در کنار رود اترک تصرف کردند و پیشروی خود را به سمت آخال ادامه دادند. رهبری این نیروهای نظامی را ژنرالی به نام اسکوبلوف[8] بر عهده داشت که خاطرات جنگ‌های خود در ترکستان را به رشته تحریر درآورد و بنا به اهمیت این کتاب، به‌سرعت در ایران ترجمه شد. اسکوبلف در کتابش سیاست‌های دولت روسیه در قبال ترکمانان را تحلیل کرده است که در این بین

1. St. Petersburg
2. Alexander II
3. Gorchakov
4. Romanoviski
5. K.P.Kaufmann

۶. با تسلط روس‌ها بر قزل سو، نام آن به کراسنودسک Krasnovodsk تغییر کرد و اینک ترکمن باشی نامیده می‌شود و در خاک ترکمنستان قرار دارد.

7. Fedorovich
8. Skobelev

اشاراتی به سیاست‌های حکومت ایران نیز دارد. هرچند ژنرال اسکوبلوف نقش ایران را مخرب و دخالت بدون مسئولیت در منطقه می‌داند اما هر از گاهی به تلاش‌های حکومت ایران در اعاده حاکمیت در ترکستان اشاره می‌کند (اسکوبلوف، بی‌تا: ۲۰۱، ۱۴۵، ۱۱۴). از نظرگاه سیاسی پیشروی روس‌ها در آسیای میانه، توسعه طبیعی بود. زیرا در آسیای میانه حکومتی استوار و قدرتمند وجود نداشت و خانات بیشترین سهم قدرت را در این منطقه داشتند. اما پیشروی روس‌ها در شمال شرق ایران و در شمال افغانستان از دید قوانین جنگی و حقوق بین‌المللی یک توسعه امپریالیستی بود که بالطبع می‌توانست عکس‌العمل شدیدتری نسبت به آن از طرف دولت‌های ایران و انگلستان و جامع جهانی در پی داشته باشد.

قطعاً ایران نه ازلحاظ مالی و نه نظامی یارای مقابله باقدرت رو به فزون روسیه را نداشت. بنابراین از تنها برگ خود یعنی بازی دیپلماسی استفاده کرد. ایران به‌شدت به تکاپو افتاده بود که روس‌ها به مرزهای خراسان رسیده‌اند و تحرکات جدید آن‌ها در سرخس و کلات مشکوک است. این دو شهر بسیار پراهمیت بودند و اگر هرکدام از آن‌ها سقوط می‌کردند، کل خراسان مورد تهدید نیروهای روسی قرار می گرفت. میرزا حسین‌خان سپهسالار (۱۲۹۸-۱۲۴۳ق/ ۱۸۸۱-۱۸۲۸م) در رأس دستگاه دیپلماتیک، بازی جدید روس‌ها را به‌خوبی درک می‌کرد و تلاش کرد انگلستان را وادار به تحرک جدی‌تری کند. سپهسالار بر امنیت خراسان تأکید زیادی داشت و حتی با سفر به کلات، شخصاً وضع آنجا را بررسی و تحرکات روس‌ها در کلات و مرزهای شمالی را از نزدیک دنبال کرد (روزنامه اختر، سال هشتم، شماره ۴: ٦). اما انگلیسی‌ها در هرات موضعی دفاعی به خود گرفته بودند و سعی می‌کردند در مسائل مربوط به شمال خراسان دخالت نکنند تا روس‌ها را بیشتر از این تحریک نکنند. سپهسالار که در بین گروه‌های سنتی و فشار بیش‌ازحد غربی به نظر می‌رسید و نتوانسته بود بحران آسیای میانه را حل‌وفصل کند، عزل شد تا جای او را میرزا سعید خان مؤتمن الملک (۱۳۰۱-۱۲۳۱ق/ ۱۸۸۴-۱۸۱۶م) محافظه‌کاری بگیرد که سیاستش توافق با روس‌ها و پایان نگرانی دربار بود. مؤتمن الملک مذاکراتی با زینوویف[1] سفیر روسیه در تهران داشت و سعی کرد چالش‌های ایران و روسیه را در آسیای میانه پایان دهد و دو طرف بر سر مسائلی به توافق رسیدند که به معاهده آخال در انجامید. طبق این قرارداد ایران حاکمیت روسیه را بر همه سرزمین‌های واقع در شمال خطی که از بابادورمز[2] در کنار سرخس تا خلیج حسینقلی در کنار دریای خزر به رسمیت شناخت. در معاهده آخال، کلات نادری به‌عنوان منطقه‌ای ایرانی تثبیت شد اما این پایان کار نبود و روس‌ها بلافاصله کمیسیونی برای تحدید مرزها تعیین کردند که در آن بحث بر سر کلات و سرخس بالا گرفت.

راه‌آهن مارای خزر و نقش آن در چالش‌های جدید مرزی با حکومت ایران

کاربَست روش‌های سیاسی و نظامی روسیه در آسیای میانه محدود به حملات زمینی علیه ترکمانان و توسعه قلمروی خود نشد. دولت روسیه در چارچوب اندیشه‌های تجاری و نظامی خود سعی داشت از ابزارهای جدید تسلط همچون راه‌آهن و راه شوسه استفاده کند بنابراین طرح توسعه راه‌آهن در آسیای میانه آغاز شد و در همین راستا مذاکراتی فشرده در چند مرحله با حکومت قاجار برای توسعه راه‌آهن و راه شوسه در ایران انجام گردید. روس‌ها از سال ۱۲۹۶ق/ ۱۸۷۹م ساخت راه‌آهن آسیای میانه را با مدیریت ژنرال اسکولبوف و ژنرال لوماکین آغاز کرده بودند. هدف آن‌ها ایجاد راه‌آهنی از کنار دریای خزر به عشق‌آباد و امتداد آن تا مرزهای هرات بود. پیام روس‌ها برای چنین اقدامی در ظاهر مسالمت‌آمیز و در قالب توسعه تجارت و پیشرفت منطقه تعبیر می‌شد. اما از نگاه دولت انگلستان، هدف روس‌ها از ایجاد این راه‌آهن، نفوذ به افغانستان و هند از طریق هرات بود و به آن به دیده تردید می‌نگریستند که منافع حیاتی انگلستان را به چالش خواهد کشید (Curzon, 1889, 2-15).

حکومت تزاری روسیه برای تثبیت موفقیت‌های خود، انتقال سریع نیروهای نظامی و تبدیل آسیای میانه به یکی از اوبلاست‌های امپراتوری، می‌بایست راه‌آهن را در آسیای میانه توسعه می‌داد. همچنین وجود منابع عظیم معدنی و

1. Zinovyev

2. Baba durmez

کشاورزی و نیروی کار ارزان در این منطقه، ثروت هنگفتی را نصیب روس‌ها می‌کرد که برای جبران هزینه‌های نظامی آن‌ها بسیار سودمند بود. این راه‌آهن که بعداً به راه‌آهن ماورای خزر معروف شد، در طی هفت سال یعنی تا سال ۱۳۰۳ق/ ۱۸۸۶م، به عشق‌آباد و مرو رسید و به‌سرعت تا بخارا، سمرقند و تاشکند ادامه پیدا کرد. هنگامی‌که روس‌ها در حال نقشه‌برداری برای گذر مسیر راه‌آهن بودند، کلات نادری هم در اولویت مطالعات پنهانی آن‌ها بود و مأموران روسی مرتب کلات و روستاهای اطراف آن را بررسی می‌کردند. به‌طوری‌که یکی از افسران روسی گمان می‌کرد کلات جزء خاک رسمی روسیه است و در خاطراتش از اقدامات خود در کلات صحبت کرد (Dobson, 1890, 167).

حکومت ایران اقدامات روس‌ها را زیر نظر داشت و مرتب مأموران مرزی، گزارش‌هایی از اقدامات دولت روسیه و ساخت‌وسازهای آن‌ها در عشق‌آباد و عبور و مرور آن‌ها به کلات، به تهران مخابره می‌کردند (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۲-۵۳۷، ۱۲۹۷ق، ش ۲۹۵/۷۷۵۲، برگ ۱۰). ناصرالدین‌شاه حاکم خراسان را موظف کرده بود سختگیری بیشتری نسبت به حضور مهندسین روس در دو منطقه سرخس و کلات انجام بگیرد. حساسیت نسبت به تحرکات روس‌ها در منطقه به حدی رسیده بود که در یک مورد شاه به حاکم خراسان گوشزد می‌کند از ورود اتباع روس به تمام خراسان بدون هماهنگی با تهران جلوگیری کند و اگر به‌صورت کامل موفق به انجام چنین کاری نشد، از مراوده تبعه روس با مردم عادی جلوگیری کند (آلبوم بیوتات شماره ۲-۶۲۹، ۱۲۹۷ق، ش ۲۹۵/۷۹۸۳، برگ ۱۳۱)

وقتی راه‌آهن تا مرو تکمیل شد، ماهیت این پروژه بیش از پیش خود را نشان داد. راه‌آهن از عشق‌آباد تا مرو دقیقاً از کنار کلات نادری عبور داده شده بود و وقتی با دوربین از کلات به سمت مرز روسیه نگاه می‌شد، به‌وضوح ایستگاه راه‌آهن روس‌ها قابل‌رؤیت بود (بورانی، ۱۳۸۸: ۲۸۶). این نزدیکی خطوط راه‌آهن به کلات، نشان می‌داد در مواقع ضروری انتقال نیروهای نظامی روس به کلات آسان خواهد بود و این نگرانی در جنگ جهانی اول خود را بروز داد و روس‌ها با کمک این خط آهنین، در کمترین زمان ممکن نیروهای خود را در درگز و کلات مستقر کردند. این راه‌آهن به‌عنوان ابزاری جدید و مدرن در خدمت ارتش روسیه برای پیش برد اهداف سیاسی، تجاری و نظامی روسیه درآمد. به‌طوری‌که بعداً لرد کرزن هنگامی‌که از این خطر راه‌آهن بازدید می‌کرد، به‌درستی پیش‌بینی کرد راه‌آهن جدید روسیه، منافع انگلستان در منطقه را به‌شدت تضعیف خواهد کرد (Gerace, 2004: 182).

با تکمیل راه‌آهن آسیای مرکزی تا مرزهای خراسان، دو پیشنهاد از طرف نظامیان روسیه پیش روی دولت تزاری گذاشته شد. پیشنهاد اول امتداد این خط راه‌آهن تا مشهد و پیشنهاد دوم ساخت یک راه شوسه از عشق‌آباد به مشهد بود[1]. روس‌ها برای ایجاد راه شوسه از عشق‌آباد به قوچان و مشهد عجله داشتند و به این‌گونه تفسیر می‌کردند بر طبق فصل پنجم معاهده مرزی ایران و روسیه، ایران موظف است در کوتاه‌ترین زمان ممکن، احداث راه عرابه‌رو مابین خراسان و ایالات ماورای خزر را آغاز کند و یا به روس‌ها اجازه دهد آن را بسازند. حکومت ایران این ماده را به‌گونه‌ای دیگر تحلیل می‌کرد و معتقد بود این ماده تأکید دارد اگر راه برای دو طرف منفعت داشته باشد احداث شود. ناصرالدین‌شاه دو اشکال بر روس‌ها داشت؛ اول اینکه این راه برای حکومت ایران در زمان کنونی منفعتی ندارد بنابراین ملزم به ساخت آن نیست. دوم در قرارداد صحبتی از کشیدن این راه به مشهد نشده است بنابراین حکومت ایران به‌هیچ‌وجه اجازه ساخت

---

۱. در مورد سیاست‌های راه‌سازی روسیه در دوره ناصرالدین‌شاه و برنامه‌های سری آن‌ها در ایران، گزارش به دست نیروهای انگلیسی افتاد و آن‌ها این گزارش را به لندن مخابره کردند. آقای دکتر کاظم بیگی این گزارش را به‌صورت مبسوط بررسی کرده و در قالب مقاله‌ای گزارش داده است. برای بررسی این گزارش ارزشمند بنگرید به: (کاظم بیگی، ۱۳۹۵: ۱۳۷-۱۴۶). دسترسی به اصل سند از طریق آدرس زیر امکان‌پذیر است.

Division of the Chief of the Staff, Intelligence Branch, Russian Military Designs in Persia, a Strategical Fragment, secret, Simla, 1909, India Office, L/MIL/17/15/26.

آن را از مسیر قوچان به مشهد نخواهد داد. عجله روس‌ها برای شاه قابل‌درک نبود. به‌زعم شاه ایران، روس‌ها ابتدا اجازه دهند مسائل مرزی به‌طور کامل گفتگو و حل شود و سپس نسبت به مسائل دیگر مذاکره کنند (گلبن، ۱۳۸۳: ۱۸۷-۱۸۴). گزارش سری زالاطارف[1] سردار روسی که به‌وسیله علاء الملک در اختیار شاه گذاشته شده بود، بر نگرانی تهران افزوده بود. در این گزارش زالاطارف تأکید داشت روسیه آمادگی تصرف شهرهای مهم خراسان ازجمله مشهد را دارد و اگر ایران وارد خصومتی جدی با روس‌ها شود، خراسان را از تهران جدا خواهد کرد (زالاطارف، ۱۳۶۲: ۷۴-۶۹). بنابراین شاه به رکن‌الدوله حاکم خراسان دستور داد به‌هیچ‌وجه وارد مذاکره مستقیم با روس‌ها نشود و اگر روس‌ها به او فشار وارد کردند، بگوید در این مورد اختیارات ندارد و باید مستقیم با تهران مذاکره گردد.

تقویت جایگاه کلات نادری در برابر سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه

مقوله خطوط مرزی و ادعای ایران و روسیه مبنی بر مالکیت بر بخش‌هایی از آسیای میانه، منجر به مذاکراتی جهت انعقاد قرارنامه‌ای گردید که بر طبق آن، مسائل مرزی خراسان حل‌وفصل گردد و نقطه‌گذاری دقیقی در مرزها شکل بگیرد. این مذاکرات بین سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه و سفیر روسیه در تهران انجام شد که حاصل آن امضای قرارنامه‌ای در نه فصل در سال ۱۲۹۹ق/ ۱۸۸۲م بود. فصول نُه‌گانه این قرارداد به مسائلی همچون تعیین خط سرحد بین دولت در شرق دریای خزر[2]، تعیین کمیسر به جهت تعیین خط مرزی و علامت‌گذاری مرزی[3]، وضعیت قلعه‌ها و رودهای مرزی[4]، احداث راه عرابه‌رو مابین خراسان و ایالات ماورای خزر[5]، تعهد دو طرف در باب تراکمه و منع رساندن اسلحه به آنان[6] و امور مربوط به مأموران روسی در سرحد ایران[7] می‌پرداخت (پیرنیا، ۱۳۲۶: ۱۴۷).

برای تعیین نقاط مرزی و تعیین خط مرزی از بابادورمز تا خلیج حسینقلی در کنار دریای خزر، از ایران و روسیه هیئت‌هایی به خراسان اعزام شدند. اعضای هیئت ایرانی با انتخاب مستقیم میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه وقت انتخاب شد. سرپرست گروه ایرانی را سلیمان خان افشار قاسملو ملقب به «صاحب‌اختیار[8]» و سرپرستی روس‌ها را، پولکونیک[9] عهده‌دار بودند (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۱-۵۴۹، ش ۲۹۵/۷۸۲۲، برگ ۱۵-۱۱). در هیئت ایرانی افراد باتجربه‌ای همچون ارفع الدوله مترجم کنسولگری ایران در تفلیس و چندین نقشه‌کش همچون میرزاعلی اشرف خان که سابقه سال‌ها فعالیت نقشه‌برداری در شمال خراسان را داشت، حضور داشتند. دو هیئت در لطف‌آباد برای اولین بار باهم دیدار کردند و از همان آغاز مأموریت، در مورد نقاط مرزی چالش‌های جدی بین طرفین رخ داد. روس‌ها به نقشه‌ای استناد می‌کردند که در تهران میان مؤتمن الملک و زینووف سفیر روسیه امضاءشده بود و از نظر هیئت ایرانی بسیار عجولانه و به دور از واقعیت‌های تاریخی منطقه تنظیم گردیده بود. هیئت روسی از پشتوانه نظامی قدرتمندی برخوردار بود که در عشق‌آباد مستقر بود و مذاکرات سرحدی را به‌طور کامل پیگیری می‌کرد. هنگامی‌که بین دو هیئت مشکل پیدا شد و مذاکرات متوقف گردید، نامه‌ای رمزدار از تهران و به‌وسیله شخص شاه به صاحب‌اختیار ارسال گردید که نشان از سیاست‌های ایران در منطقه دارد. در این نامه، ناصرالدین‌شاه به قدرت نظامی روس‌ها و سیاست‌های تهاجمی آن‌ها در آسیای میانه اشاره می‌کند و اخطار می‌دهد اگر مذاکرات مرزی به نتیجه نرسد، احتمال سقوط مشهد و قوچان وجود دارد و از هیئت می‌خواهد مذاکرات را به‌سرعت و با جدیت ادامه دهند (ارفع‌الدوله، ۱۳۴۵: ۱۰۷-۱۰۴). مهندسان دو هیئت، در عشق‌آباد نقشه‌هایی را از نقاط مرزی تهیه کردند که چند مورد

1. zalatarov

۲. فصل اول

۳. فصل دوم

٤. فصل سوم و چهارم

۵. فصل پنجم

٦. فصل ششم

۷. فصل هفتم

۸. صاحب‌اختیار پدرزن رکن‌الدوله حاکم خراسان، رئیس ایل افشار و دارای منصب امیر تومانی بود. در مورد شخصیت صاحب‌اختیار و اقدامات او در تعیین سرحدات مرزی با روسیه بنگرید به: (ارفع الدوله، ۱۳٤٥: ۱۰۹-۹۰).

9. Polkonik

از آن‌ها به‌جای مانده است و که با دقت در آن‌ها، می‌توان حساسیت‌های مرزی و اداهای ارضی دو طرف را تحلیل کرد[1].

پولکونیک و گروه همراهش مناطق مرزی را با وسواس خاصی بررسی کردند. گروه روسی برخلاف نظر شاه ایران، به کلات نیز سفر کردند و چند روزی در آنجا توقف و موقعیت کلات را بررسی نمودند (ساکما، آلبوم شماره ۵/۱۶۰، برگ ۱۷۱-۱۶۷). این اقدام پولکونیک باعث اعتراض ناصرالدین‌شاه شد و او از وزیر امور خارجه خواست از سفیر روسیه سؤال کند چرا نماینده روسیه در کلات وقت را تلف می‌کند و به سمت مرز بابادورمز حرکت نمی‌کند. همچنین شاه به صاحب‌اختیار دستور می‌دهد مأموران روسی، به‌هیچ‌وجه حق دخالت در آب و زراعت کلات نادری را ندارند و او حق هیچ‌گونه کرنشی نسبت به این قضیه را ندارد (اسنادی از روابط ایران در آسیای مرکزی، ۱۳۷۲: ۲۹۷، ۲۲۰).

قرار بر این بود پروتکل‌های آب کلات، زیرمجموعه پروتکل مرزی پیگیری و امضاء شود. درنتیجه، مذاکرات منجر به عقد قراردادی شد که به پروتکل آب‌های کلات معروف گشت[2]. در این پروتکل، برای هرکدام از رودها فصول مختلفی تعیین و تنظیم شد. بر طبق این فصول، ایران متعهد گردید رودهای فرعی که از رودهای اصلی منشعب شده بودند را تخریب کند، از احداث باغ‌ها و آسیاب‌های جدید خودداری کند و از رشد روستاهای ساکن در مسیر رودهایی که به سمت مرز روسیه می‌روند، بکاهد. همچنین روس‌ها نوع و میزان محصولاتی که در شهرهای مرزی کاشته می‌شد تعیین کردند و سیاست خود را جلوگیری از کاشت محصولاتی با مصرف آب بالا همچون شلتوک قرار دادند (صاحب دیوان، ۱۳۰۹ق: ۱۷۹). بدین ترتیب مردم کلات و روستاهای اطراف حق استفاده از رودها و منابع آب را از دست دادند و کشاورزی آن‌ها در مسیر نابودی قرار گرفت. روس‌ها اراضی منطقه زیر خور و اراضی بالای خور را ممنوع الکشت کردند و اجازه بهره‌بردای بیشتر از اراضی زیر دربندهای چهچهه و قراتیکان را به رعایای ایران ندادند بنابراین کلاتی که درگذشته در مواقع قحطی، غلات به نقاط مختلف خراسان صادر می‌کرد، از تأمین آذوقه اهالی خود نیز محروم شد. این امر اعتراض شدید مردم و کشاورزان منطقه و نفرت بیشتر آن‌ها از روس‌ها و مأموران ایرانی به‌خصوص صاحب‌اختیار را در پی داشت (بیت، ۱۳۶۵: ۱۴۹؛ صاحب‌دیوان، ۱۳۰۹: ۱۹۴).

عین السلطنه و قهرمان میرزا امین لشکر در خاطراتشان از این محدودیت استفاده از منابع آب در کشاورزی کلات یادکرده‌اند. بر طبق اطلاعاتی که آن‌ها ارائه می‌دهند مردم روستاهای کلات به‌شدت از رفتار روس‌ها بابت منابع آبی ناراحت و خشمگین بودند. روس‌ها بعد از تصرف آخال، به‌تدریج بعضی از مزارع و آبادی‌های درگز و کلات را تصرف کرده بودند و آن‌ها را در اختیار ترکمن‌های طرفدار خود قرار داده بودند. حکومت ایران‌هم به روس‌ها اعتراض کرده بود اما آن‌ها اصلاً پاسخ قانع‌کننده‌ای ندادند. این شاهزادگان قاجاری پیش‌بینی می‌کنند اگر به همین منوال پیش رود، از شدت ناچاری، مصیبت و فقر، رعایای خاک ایران به سمت روسیه متمایل خواهند شد و تابع آن‌ها خواهند شد (عین-السلطنه، ۱۳۷۶: ۱۶۳۹/۲؛ امین‌لشکر، ۱۳۷۴: ۱۲۰-۱۱۹). همچنین فتحعلی‌خان صاحب دیوان نماینده ویژه ناصرالدین‌شاه به کلات در ۱۳۰۹ق/۱۸۹۱م که به‌منظور بررسی دخالت‌های روسیه و برآورد اوضاع نظامی و تجهیزات نظامی حکومت ایران به منطقه سفر کرده بود، در گزارشی می‌نویسد: «تا چشم کار می‌کند از پای این کوه که دیوار کلات است، صحرای مسطح وسیع بسیار خوب است که برای زراعت مثل ندارد. تمام را به تصرف روسیه داده‌اند و آنچه کوه و کتل و دره و ماهور بوده و لم‌یزرع و بی‌معنی است به جهت ما گذارده‌اند. آن‌هم نمی‌گذارند زراعت کنند» (صاحب‌دیوان، ۱۳۰۹: ۱۹۵). مسئله آب کلات تا سال‌ها مورد اعتراض مردم و روشنفکران قرار داشت به‌طوری‌که

---

۱. انتشارات وزارت امور خارجه با همکاری موسسه سحاب، بعضی از این نقشه‌ها را از سازمان‌های اسنادی استخراج و به چاپ رسانده است. این نقشه‌ها اطلاعات بسیار ارزشمندی از نقاط جغرافیایی و تغییرات مرزی ارائه می‌دهند. برای دیدن این نقشه‌ها رجوع کنید به: (اسناد تصویری کلات نادری و سرخس، ۱۳۹۱: ۵۰-۱۵۹) همچنین برای تحلیل این نقشه‌ها و تصاویر بنگیرید به: (نجف‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۱-۵۳).

۲. برای تحلیل مفاد این پروتکل بنگرید به: (آذری‌خاکستر، ۱۳۸۸: ۶۲۶-۶۱۹).

بیست‌وچهار سال بعد، مجد الاسلام کرمانی که در تبعید سیاسی در کلات به سر می‌برد، سیاست‌مداران وقت را به رشوه از روسیه متهم کرد که منافع مردم را نادیده گرفته و با قبول پروتکل آب، کشاورزی و زندگی مردم کلات را نابود کرده‌اند[1] (کرمانی، ۱۳۵۰: ۳۴۶).

روسیه به‌منظور تثبیت فعالیت‌های گذشته خود در آسیای میانه و ایران به‌منظور برقراری آرامش در مرزهایش به این قرارداد نیاز داشتند. مذاکرات چهار سال به طول انجامید و با امضای قرارداد، فعالیت روس‌ها در خراسان افزایش یافت. مأموران روسی به‌مراتب با سفر به نقاط مختلف خراسان و جمع‌آوری اطلاعات، سعی داشتند به بهترین نحوه از دستاوردهای این قرارداد بهره ببرند. نامه‌ها و گزارش‌های وزیر امور خارجه محمود خان ناصرالملک به ناصرالدین‌شاه این ادعا را ثابت می‌کند. او در مجموعه گزارش‌هایی، از تحرکات جدید روسیه در مرزهای خراسان از سرخس تا کلات پرده برمی‌دارد و رفتار قشون روسیه و نفوذ دولت روسیه را در شهرهای خراسان نگران‌کننده می‌داند (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۱-۵۰۲، ش ۲۹۵/۷۶۵۳، برگ ۲۸). نفوذ و قدرت روس‌ها به حدی رسیده بود که حاکم خراسان یارای مقابله با آن‌ها را نداشت و حتی تجار روسیه با حمایت دولت مطبوعشان، حقوق گمرکی ورود اجناس به خراسان را پرداخت نمی‌کردند (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۱-۴۴۳، ش ۲۹۵/۷۵۴۲، سال ۱۳۰۱ق، برگ ۳۲).

راه‌آهن جدید آسیای میانه، باعث رونق اقتصادی منطقه گردید. دولت روسیه با ایجاد کانال‌های متعدد آبیاری و به زیر کشت بردن زمین‌های وسیعی در اطراف رود جیحون، تجارت منطقه را به طرز چشمگیری پویا کرد. این تجارت و منافع حاصل از آن باعث تقویت حضور روس‌ها در اطراف رود اترک شد. تجار روس به‌صورت مرتب به خراسان سفر می‌کردند و کالاهای روسی به‌وفور در بازار ایران یافت می‌شد. تجارت شکر، نفت سفید، چوب، آهن، پنبه و وسایل ساختمانی از مهم‌ترین کالاهایی بود که در آسیای میانه تولید و با کمک راه‌آهن به نقاط دیگر صادر می‌شد. به‌طور مثال تولید پنبه از سال ۱۸۸۸م/۱۳۰۵ق تا ۱۸۹۳م/۱۳۱۰ق، حدود پنج برابر شد و استخراج مواد معدنی ساختمانی افزایش قابل‌توجهی یافت (Sahadeo, 2007: 120).

رشد شهرها، سکنی دادن اجباری ترکمن‌ها و توسعه بخش کشاورزی آسیای میانه، نیاز مبرمی به منابع آب داشت. بخش مهمی از آب دشت اتک از طریق کوه‌های مرزی ایران و مناطق سرخس و کلات نادری تأمین می‌گشت. روس‌ها مدعی بودند باید سرچشمه‌های رودهای آسیای میانه که از مرزهای ایران نشات می‌گرفت، در قالب پروتکل‌هایی دقیق برنامه‌ریزی شود بنابراین نمایندگانی از روسیه راهی کلات شدند و از رودخانه‌های مهم قراتیکان، لاین، ارچنگان، خورچای، کلات چای، مهنه، آب گرم، چهچهه و نفته بازدید کردند. حکومت قاجار به ارزش منابع آب برای مردم منطقه آگاه بود و اعتراضات مردم لطف‌آباد بر سر مسائل آب در آغاز مذاکرات سرحدی با روسیه را به‌خوبی در خاطر داشت. بنابراین گزارش مفصلی از آب‌های منطقه آماده شد و در اختیار تهران قرار گرفت. این یادداشت، در قالب کتابچه‌ای به نام «کتابچه تشخیص آب‌های کلات» توسط مؤلفی ناشناس تدوین گردید که در آن به منشأ این آب‌ها، مقدار لازم آب جهت کشاورزی ساکنین و اهمیت این منابع آب در بین روستاها پرداخته شده است (حمیدی‌نیا، ۱۳۹۵: ۶۸-۶۴). این مذاکرات درنهایت منجر به امضای پروتکل آب‌های کلات گردید که چندین زیرمجموعه داشت. ازجمله پروتکل آب لاین، پروتکل آب قراتیکان در هفت فصل، پروتکل آب چهچهه در نه فصل، پروتکل آب نفته در دو فصل و پروتکل آب ارچنگان در دو فصل. روس‌ها در تمامی این پروتکل‌ها، بر مسائلی همچون اسکان، محصولات کشاورزی، احداث باغ، احداث آسیاب و تقسیم منابع آب تأکید داشتند (آذری‌خاکستر، ۱۳۸۸: ۶۲۶-۶۱۹).

مجموع اتفاقات مرزی، امنیتی و سیاسی که در خراسان در حال وقوع بود، باعث سفر غیرمنتظره ناصرالدین‌شاه به خراسان در سال ۱۳۰۰ق/ ۱۸۸۲م گردید. شاه ایران قصد داشت با حضور مستقیم در خراسان، وضعیت آنجا را برآورد

۱. به دلیل سیاست‌های روسیه، اوضاع کلات به حدی دچار بحران شده بود که ارفع الدوله مترجم کمیسیون تحدیدی حدود آخال و خراسان، وضعیت کلات را مصیبت‌بارتر از دیگر مناطق خراسان می‌داند و می‌نویسد: «در تمام خراسان مثل است می‌گویند مرگ می‌خواهی برو کلات» (آذری، ۱۳۹۱: ۲۱۴)

کند و نشان دهد امور خراسان بسیار برای قاجارها حیاتی است. در سفرنامه شاه قاجار اطلاعات ارزشمندی در مورد این چالش‌ها دیده نمی‌شود. بر طبق معمول، ناصرالدین‌شاه بحران‌های حکومتش را در خاطراتش مسکوت می‌گذارد و به آن‌ها نمی‌پردازد. او در چند مورد به سرخس و کلات اشاره می‌کند اما از نفوذ روس‌ها در این مناطق چیزی نمی‌نویسد (ناصرالدین‌شاه، ۱۳٦۴: ۱۲۴). ولی از تلگراف‌ها و دستوراتی که شاه در خراسان صادر می‌کند، می‌توان به عمق نگرانی حکومت ایران پی برد.

اقدامات شاه قاجار در خراسان را می‌توان از چند جهت بررسی کرد. او ابتدا از کارگزاران خراسان می‌خواهد با سفر نامحسوس به نقاط مختلف مرزهای شمالی، اطلاعات دقیقی از وضعیت منطقه و میزان نفوذ روسیه در اختیار او بگذارند. در یک مورد شاه از حاجی شاه محمدخان گماشته وزارت امور خارجه در درگز و کلات، در مورد تحولات منطقه و مداخله روس‌ها در کلات سؤالاتی می‌پرسد و از او می‌خواهد اطلاعاتش کامل‌تری به عرض شاه برساند (امین لشکر، ۱۳۷۴: ۱۱٦-۱۱۷). همچنین شاه از وزیر امور خارجه می‌خواهد کارگزارانی به سرخس و کلات بروند و نقشه و اطلاعات دقیقی از آنجا به دربار ارائه دهند. ناصرالدین‌شاه می‌خواهد بداند دقیقاً روس‌ها به چه مناطقی دسترسی پیدا کرده و چه اهدافی را در آنجا پیگیری می‌کنند و آیا از آب و خاک کلات قسمتی را روس‌ها مصادره کرده‌اند یا خیر. یکی از این مهندسان، میرزا محمدعلی‌خان مهندس بود که نقشه‌ای از سرحدات خراسان تهیه کرد و نام آن را در نقشه خود «نقشه سرحدات خراسان مشتمل بر خاک کلات و تژن و سرخس و زورآباد و باخزر تا خاک افغانستان و خواف و غیره» نامید. انتخاب این عنوان هوشمندانه، نشان می‌دهد حکومت ایران بر مالکیت ارضی این مناطق تأکید دارد (نظرآهاری، ۱۳۹۱: ۷۵). محمدعلی‌خان مهندس سال‌ها در خراسان تجربه نقشه‌برداری و تعیین قلعه جات نظامی داشت و مورد حمایت حکام خراسان بود و بارها اقدامات او در ترسیم نقشه‌های جغرافیایی مرزهای شمال خراسان در منابع تاریخی انعکاس داده شده است (آصف‌الدوله، ۱۳۷۷: ۲۱۸؛ رکن‌الدوله، ۲۵۳٦: ۸۲). مجموع گزارش‌هایی که در دست است نشان می‌دهد موقعیت کلات در این زمان بسیار شکننده بود. افراد دیوانی که برای بررسی ابنیه دفاعی، میزان نفوذ روسیه، محصولات، موقعیت و نفوس کلات به آنجا سفر کرده بودند، آمار نگران‌کننده‌ای از کلات ارائه دادند. در مرحله دوم، شاه دستورات اکیدی به حکام خراسان برای سفر اتباع خارجی به شهرهای مرزی داد و از آن‌ها می‌خواهد بدون اخذ دستور مستقیم شاه، کسی اجازه ورود به شهرهای مرزی به‌خصوص کلات نادری را نداشته باشد. به‌عنوان‌مثال از سفر کاپیتان لو به کلات جلوگیری شد و حتی وقتی خبر سفر بدون برنامه‌ریزی نماینده مرزی روسیه ژنرال پولکونیک به کلات، به شاه گزارش شد، خشم شاه قاجار را در پی داشت[۱] (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۱-۴۴۵، ش ۲۹۵/۷۵۵۰، برگ ۱۵۴؛ ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۱-۴۴۳، ش ۲۹۵/۷۵۴۲، برگ ٦۷).

مسئله سوم بحث ترکمانان بود. حکومت ایران می‌دانست روس‌ها از اهرم ترکمانان برعلیه منافع ایران استفاده می‌کنند. بر طبق ادعای ایران، روس‌ها برخلاف ماده ششم قرارداد مرزی که دو حکومت را موظف و متعهد کرده بود از حمایت سیاسی و تسلیحاتی ترکمانان حذر کنند، به ارسال اسلحه برای طوایف ترکمن سالور ادامه می‌دهند و با ایجاد دو دستگی در بین ترکمانان تکه، سعی دارند در سرخس و کلات جای پایی برای خود باز کنند. گزارش‌های جاسوسان حکومت ایران نشان می‌داد روس‌ها اقوام سالور ساکن در زورآباد و همچنین ترکمن‌های تکه، ساروق را در سرخس، درگز، کلات و پشت کوه آموزش می‌داند و برای ایجاد ناامنی در مرزهای شمال خراسان تحریک می‌کردند (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۱-۵۴۳، ش ۲۹۵/۷٦۴۰، برگ ۸۹). دولت روسیه تمام این اتهامات را رد می‌کرد و اظهار می‌کرد دولت روسیه به تمام مفاد قرارداد با ایران پایبند است و حتی برای تأمین امنیت مرزهای ایران، روزانه با ترکمانان درگیر است.

---

۱. البته این حساسیت از دوره محمدشاه نسبت به کلات وجود داشت. مگ گرگر انگلیسی وقتی می‌خواهد از مشهد به خراسان سفر کند، یک هفته طول می‌کشد اجازه سفر او صادر شود چون حکومت ایران حساسیت بالایی از سفر خارجی‌ها به کلات داشت (مک گرگر، ۱۳٦۸: ۲/۴۴).

حکومت ایران سیاست‌های خود را در منطقه داشت. به دستور شاه، چند هزار نفر از خانواده‌های ساکن خراسان به مرو، سرخس و کلات کوچ داده شدند تا هم بافت جمعیتی به نفع رعایای ایران تغییر کند و هم برای مبارزه بانفوذ ترکمانان طرفدار روسیه، ابزاری در دست ایران قرار گیرد (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۱-۵۴۹، ش ۲۹۵/۷۸۲۲، برگ ۹۵-۱۲). در این برهه مواضع شاه ایران قابل‌تأمل است. او به حاکم خراسان می‌گوید تأمین امنیت در درگز و کلات بسیار حیاتی است و باید نیروهای نظامی ایران در این مناطق تقویت شود و با ترکمانان برخورد جدی گردد[1]. اما متذکر می‌شود به‌گونه‌ای با ترکمانان طرفدار روسیه برخورد شود که بهانه‌ای برای دست‌اندازی و دخالت نظامی روسیه در منطقه مهیا نشود. در همین راستا اقداماتی علیه طوایف سالور انجام شد و حتی با کمک متشرعین محلی مورد اعتماد، زراعت این طوایف در سرخس حرام اعلام شد (استادوخ، کارتن ۹۹، سریال ۲۸، پرونده ۳۱؛ ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۲-۵۳۷، ش ۲۹۵/۷۷۵۲، برگ ۵۴).

از اقدامات حکومت ایران در برابر نفوذ روسیه، تقویت ابنیه نظامی و دفاعی در مرزهای شمال خراسان به‌خصوص کلات نادری بود. روس‌ها در سال ۱۳۰۱ق/ ۱۸۸۴م، ادعای جدیدی بر مرو و سرخس کهنه مطرح کردند و به آنجا هجوم بردند. با تصرف مرو، روس‌ها شروع به احداث استحکاماتی در آنجا کردند. این اقدام روس‌ها و تقویت نیروهای نظامی خود در سرحدات خراسان (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۲-۵۰۵، ش ۲۹۵/۷۶۶۹، برگ ۱۰۱)، دقیقاً زمانی که دو دولت در حال تعیین حدود مرزی بودند، زنگ خطری برای ایرانیان به شمار می‌رفت که احتمالاً روس‌ها به دنبال ملحق کردن مرو، سرخس و کلات به متصرفات خود هستند. ایران در برابر این اقدام روس‌ها، به دو اقدام دیپلماتیک و عملی دست زد. ناصرالدین‌شاه به وزیر امور خارجه می‌گوید که روس‌ها هیچ حقی در مورد سرخس کهنه ندارند و از میرزا ملکم خان سفیر ایران در لندن می‌خواهد دولت انگلیس را از ادعای روسیه در مورد سرخس کهنه و تحریک قبایل سالور آگاه کند و ازلحاظ دیپلماسی انگلیسی‌ها را تحت‌فشار بگذارد[2]. وزیر امور خارجه انگلستان به ملکم خان می‌گوید آن‌ها در برابر روسیه نمی‌توانند اقدامی عملی انجام دهند و فقط در قالب قوانین دیپلماسی، می‌توانند اعتراض خود را به روسیه اطلاع دهند. شاه ایران از این رفتار دوگانه انگلستان نسبت به امنیت مرزهای شمال شرق ایران ناراضی بود و تأکید داشت سکوت انگلستان در برابر این رفتار روس‌ها، غیرقابل‌تحمل است (اسنادی از روابط ایران در آسیای مرکزی، ۱۳۷۲: ۲۶۷، ۲۳۰، ۲۲۹).

اقدام عملی ایران، ساخت ابنیه دفاعی در سرخس و کلات بود. از هنگامی‌که روس‌ها در آسیای میانه نفوذ کردند، ایران تقویت قلاع و نیروهای نظامی خود را در مرزهای شمال شرقی پیگیری کرد و جاسوسانی به منطقه اعزام کرد تا برآوردی از امکانات و تحرکات روسیه به دست بیاورند. اهتمام جهت آباد کردن ساخلوها و قلعه‌های نظامی شمال خراسان در مله کلا، درگز، کلات[3]، سرخس و ابیورد آغاز شد و دستوراتی جهت تأمین آذوقه نیروهای ایران و افزایش تعداد لازم سرباز برای این ساخلوها صادر گشت (ساکما، آلبوم شماره ۱/۵۳۷، ش ۲۹۵/۷۷۵۲، برگ ۱۰؛ حکومت سایه‌ها،

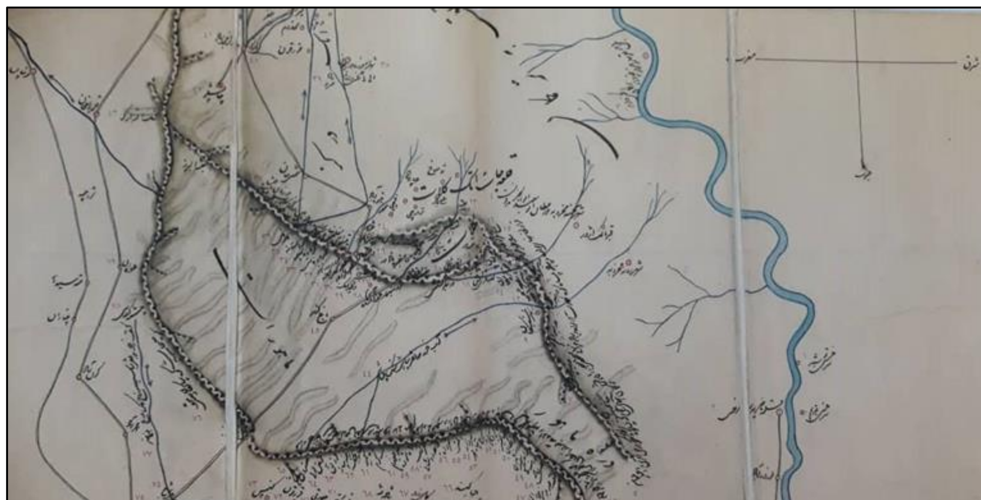
---

۱. قدرت در کلات نادری در دست ترکمن‌های جلایری و کردهای اردلان بود. جلایریان از دوره امیر تیمور در کلات ساکن شده بودند و نقش پررنگی در دوره نادرشاه ایفا کرده بودند (مروی، ۱۳۶۹: ۸۲۴/۲، ٦٦٦، ۴۱۴) و تا دوره محمدشاه عملاً قدرت کامل را در کلات بر عهده داشتند. حتی پلنگ توش خان اول مشکلاتی را در دوره محمدشاه برای حکومت قاجار ایجاد کرده بود. این ترکمان‌های جلایری در دوره ناصرالدین‌شاه با حکومت ایران همراه بودند و شاه قاجار بهبود خان و پسرش پلنگ توش خان دوم را در حکومت کلات ابقا کرد (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۲-۵۴۱، ش ۲۹۵/۷۶۴۲، برگ ۵۱؛ ساکما، ش ۲۹٦/۱۳۴۰٦، برگ ۲-۱).

۲. حکومت ایران مذاکرات خود را با ژنرال‌های روسی نیز دنبال می‌کرد و نماینده ایران با ژنرال اسکوبلوف چندین بار برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز بحران‌ها دیدار کرد (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۳-٦۳۲، ش ۲۹۵/۷۹۸٦، برگ ۷٦).

۳. حاکم خراسان از شاه ایران می‌خواهد برای تقویت قدرت ایران در این مناطق، حاکمی کاردان و قدرتمند انتخاب کند (ساکما، آلبوم بیوتات شماره ۲-۵۳۷، ش ۲۹۵/۷۷۵۲، برگ ۲۵).

۱۳۷۲: ۲۶۳، شماره سند ۳۹-۱۷۰). تعداد بالا و تنوع جغرافیایی این قلعه‌ها، در نقشه‌ای که از موقعیت قله جات ایران در سرخس و کلات به‌جای مانده است، قابل‌مشاهده است (نقشه شماره ۲).



نقشه ۲: نقشه جزئی از مملکت خراسان و سرحدات و قلعه جات ترکمانان (نظرآهاری، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۶)

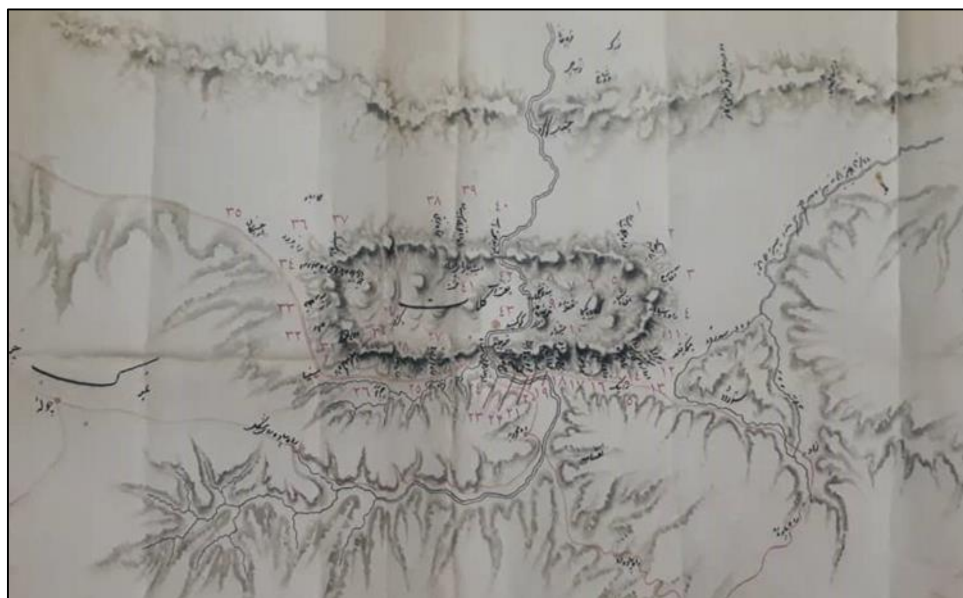
ساخت ابنیه جدید دفاعی در سرخس کهنه، عکس‌العمل روسیه را در پی داشت. روس‌ها این ساخت‌وسازها را غیر مشروع دانستند و عنوان کردند چنین اقداماتی از جانب حکومت ایران، بی‌نظمی و درنتیجه بحران‌آفرینی را در منطقه به دنبال خواهد داشت. هرچند نظامیان روس، حضور فعال در سرخس کهنه داشتند و پادگان‌های نظامی و ساخلوهای جدید ایجاد کرده بودند[۱]. ناصرالدین‌شاه در پاسخ به این استدلال روس‌ها، تأکید کرد حکومت ایران به‌طور کامل به مفاد معاهده مرزی دو کشور پایبند است و در امور ترکمانان سرخس مداخله نخواهد کرد ولی در حین حال ساعتی از آبادی اراضی کشورش دست نخواهد کشید و تحلیل روس‌ها را غیرمنطقی و غیرعملی خواند (گلبن، ۱۳۸۳: ۱۸۹). آنچه از این نامه مشخص می‌شود این است که شاه ایران تأکید دارد سرخس کهنه جزء خاک ایران است و ایران مجاز است هرگونه سازه‌ای که باعث رونق آنجا شود، احداث کند.

حکومت ایران اقدامات مشابهی در کلات انجام داد. هرچند حساسیت در سرخس بالاتر بود، اما فرض بر این بود که هدف دیگر روس‌ها بعد از تصرف مرو و سرخس، ناحیه کلات خواهد بود، بنابراین مطالعاتی جهت افزایش قدرت دفاعی کلات در دستور کار قرار گرفت. نیروهای نظامی حکومت مرکزی از دوره محمدشاه، حضور فعالی در کلات داشتند و تعداد آن‌ها و بافت قومیتی سربازان آنجا، محل بحث بین تهران و خراسان بود[۲]. از تعداد نیروهای حفاظتی در کلات در دوره محمدشاه اطلاع دقیقی در دست نیست اما این نیروها مدام با شورشیان خراسانی درگیر بودند و حکومت به‌صورت عامدانه مسیرهای دسترسی به کلات را مسدود کرده بود تا آسیب‌ناپذیری آن حفظ شود. این امر هرچند باعث تقویت موضع دفاعی کلات شده بود اما رساندن آذوقه و کمک‌های سریع را به آن غیرممکن ساخته بود (استادوخ، کارتن ۹۹، سریال ۷، پرونده ۱۹). از اسنادی که در اوایل دوره ناصرالدین‌شاه در دسترس است، می‌توان تخمین زد نیروهای

۱. عبدالله قاجار عکاس مخصوص ناصرالدین‌شاه، به دستور شاه و برای ثبت رویدادها به این مناطق سفر کرد و عکس‌های منجر به فردی تهیه و در قالب آلبومی آن‌ها را در اختیار دربار قرار داد. در یکی از این عکس‌ها، پادگان نظامی روس‌ها در سرخ کهنه و وسایل ورزشی و رزمی آن‌ها به چشم می‌خورد. برای دیدن این عکس، ر.ک: (نظرآهاری، ۱۳۹۱: ۱۵۵)

۲. آقاخان نوری در نامه‌ای به ناصرالدین‌شاه، از او می‌خواهد به‌منظور جلوگیری از دسیسه‌چینی، از حضور نیروهای نظامی خراسانی در کلات جلوگیری و نیروهای غیربومی برای حفاظت از کلات بگمارد (استادوخ، کارتن ۹۹، سریال ۳۱۴، پرونده ۳۰).

نظامی در کلات بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر بوده‌اند. در یکی از این اسناد، حاکم خراسان در سال ۱۲۶۹ق/ ۱۸۵۲م، به شاه ایران گزارش می‌دهد برقراری امنیت در کلات باوجود ۲۰۰ سوار و ۵۰ نفر شمخالچی امکان‌پذیر نیست و پیشنهاد می‌دهد تعداد این نیروها به ۴۰۰ نفر افزایش پیدا کند (استادوخ، کارتن ۹۹، سریال ۱۰۳، پرونده ۳۵).



نقشه ۲: نقشه کلات و اطراف آن در سال ۱۲۶۴ق (نظرآهاری، ۱۳۹۱: ۵۵-۵۴)

با وقوع بحران‌های جدید در مرزهای شمال خراسان، حکومت ایران تعداد نیروهایش را در کلات افزایش داد و افرادی را جهت بررسی امکانات دفاعی و تجهیزات موجود در کلات، به آنجا گسیل کرد. اکثر این مأموران بر عدم امکانات لازم در کلات تأکید داشتند. آن‌ها گزارش می‌دهند وضعیت نیروهای نظامی، بهداشت، محل استراحت و امکانات جنگی آن‌ها به‌شدت ناگوار است و باید در سریع‌ترین زمان ممکن به رفع این اشکالات پرداخت. حتی هنگامی‌که از تجهیزات کلات فهرستی مهیا شد، توپی یافت شد که در جنگ چالدران از نیروهای عثمانی غنیمت گرفته شده بود و در دربندهای ورودی کلات مستقر بود و عملاً کاربردی نداشت[۱] (صاحب‌دیوان، ۱۳۶۱: ۱۸۸-۲۰۵؛ سفر کلات، ۱۲۹۸ق: ۱۶۹). بعد از معاهده آخال، نیروهای ایرانی در کلات تقویت شدند و تعداد آن‌ها از هزار نفر گذشت و فوج قرائی مسئولیت امنیت ساخلوهای آن را بر عهده گرفت[۲]. روزنامه اختر در قالب گزارشی اغراق گونه و بدون تحلیل مشکلات موجود در کلات و بدون نام بردن از نیروهای روسیه می‌نویسد؛ باوجود نیروهای جدید و قلعه‌های مستحکم کلات، این منطقه می‌تواند در برابر صد هزار نیروی مهاجم مقاومت کند. (روزنامه اختر، ۱۲۹۹ق، سال هشتم، شماره ۴: ۶).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال بود که روس‌ها به دنبال چه اهداف سیاسی و اقتصادی در شمال خراسان به‌خصوص در کلات نادری بودند و حکومت قاجار در برابر این سیاست‌های منطقه‌ای روسیه، چه نوع دیپلماسی و سیاستی در پیش گرفت؟ در پاسخ به این سؤالات، ابتدا سیر تسلط روسیه بر آسیای میانه بررسی شد. قطعاً تحلیل مشکلات مرزی و امنیتی بین ایران و روسیه در خراسان، بدون

۱. اوضاع ارتباطی کلات نیز ناگوار بود. کلنل بیت از خرابی خطوط تلگرافی بین خراسان و کلات خراب گزارش می‌دهد و معتقد است این خرابی عامدانه توسط مأموران دولتی شکل‌گرفته است تا کلات ایمن‌تر به نظر بیاید (بیت، ۱۳۶۵: ۱۴۱).

۲. در مورد کیفیت این نیروها و نام فرماندهان قرائی در کلات ر.ک به: (قاجار، ۱۳۶۴: ۱۳۹؛ رکن‌الدوله، ۲۵۳۶: ۵۱).

تحلیل نحوه تسلط روسیه بر آسیای میانه امکان‌پذیر نیست. سپس با توجه به اسناد، تلاش‌های حکومت ایران در برابر طرح نفوذ روسیه، به چند دسته دیپلماتیک، سیاسی و نفوذ تقسیم‌بندی شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد هدف روس‌ها تصرف کامل خراسان بود و زمینه‌های چنین تسلطی را نیز تدارک دیده بودند. آن‌ها در معاهده آخال، ادعایی بر درگز و کلات نداشتند، ولی به‌مرور و در هنگام مرزبندی بنا به خطر رأس و سرچشمه آب‌ها بی‌میل نبودند این مناطق را به تصرف درآورند. حکومت ایران از این واقعه به‌شدت نگران بود و سعی کرد تنش را با روسیه بر سر مناطق آسیای میانه مدیریت نماید تا بهانه‌ای برای روس‌ها جهت حمله به خراسان ایجاد نگردد. حکومت ایران سعی کرد دو شهر مهم مرزی یعنی کلات و سرخس را با کمک ترکمانان طرفدار خود، خط قرمز خود بنامد و با ساخت‌وساز در آنجا عملاً به روس‌ها نشان دهد تا چه میزان خراسان برای حکومت قاجار حائز اهمیت است. اما حکومت قاجار ابزارهای لازم برای مقابله با روسیه را دارا نبود. بافت قدرت سیاسی از دیرباز در خراسان پیچیده بود و حکام محلی و طوایف تلاش می‌کردند در بازی قدرت با یکدیگر، حکومت مرکزی ایران و روسیه، بیشترین بهره را ببرند. بنابراین اجرای یک سیاست واحد در خراسان و در برابر روسیه عملاً سخت و غیرممکن بود. از طرف دیگر دولت انگلستان در جریان بحران کریمه کمک‌های علنی خود را به عثمانی در برابر روسیه پنهان نکرد و این چالش دو قدرت روسیه و انگلستان را افزایش داد. انگلستان به دلیل افزایش قدرت آلمان در اروپا، سعی داشت شکاف سیاسی و نظامی خود در برابر روسیه را افزایش ندهد، بنابراین در آسیای میانه و در مرزهای شمال شرق ایران در برابر پیشروی روس‌ها، صرفاً به صدور اعتراضات دیپلماتیک بسنده کند و در بازی بزرگ، نقش تدافعی به خود گرفت. حکومت ایران نیز تمام تلاش دیپلماتیک خود را در این شرایط انجام داد، اما توفیقی در آن نیافت.

فهرست منابع

۱. آذری خاکستر، غلامرضا. (۱۳۹۱). «تأملی در قوانین سرحدی کلات در عصر قاجار». ***تاریخ‌پژوهی***. (شماره ۵۳)، ۲۲۶-۲۱۱.

۲. آذری خاکستر، غلامرضا. (۱۳۸۸). «پروتکل آب‌های کلات». ***پیام بهارستان***. (شماره ٦)، ٦٢٦- ٦١٩.

۳. اسکوبلف، میخاییل. (بی‌تا). ***جنگ در ترکستان***. ترجمه امان‌الله میرزا. کتابخانه ملک. شماره ثبت ٦٢٣٨.

۴. ***اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی*** (۱۳۷۲). تهران: اداره انتشار اسناد وزارت امور خارجه ایران.

۵. ارفع الدوله. (۱۳۴۵)، ***خاطرات پرنس ارفع، ایران دیروز***. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

٦. امین لشکر، قهرمان. (۱۳۷۴). ***روزنامه سفر خراسان به همراهی ناصرالدین‌شاه***. به کوشش ایرج افشار و محمدرضا دریاگشت. تهران: اساطیر.

۷. آدنوان، ادموند. (۱۳۹٦). ***واحه مرو (سفرنامه آدنوان به مناطق روسی حاشیه دریای خزر و شمال ایران در سال‌های ۱۸۷۹-۱۸۸۱ میلادی و ۵ ماه اقامت در میان ترکمن‌های تکه مرو)***. ترجمه حسین سعادت نوری. قم: مجمع ذخایر اسلامی.

۸. بازن، پادری. (۱۳٦۵). ***نامه‌های طبیب نادرشاه***. ترجمه علی‌اصغر حریری. به کوشش بدرالدین یغمایی. تهران: شرق.

۹. بورانی، سید جلال. (۱۳۸۸). ***سفرنامه خراسان***. از مجموعه سفرنامه‌های خطی فارسی. ج۳. تصحیح و پژوهش هارون وهومن. تهران: اختران.

۱۰. بیت، کلنل. (۱۳٦۵). ***سفرنامه خراسان و سیستان (شرح سفر کلنل بیت به ایران و افغانستان در روزگار ناصرالدین‌شاه)***. ترجمه قدرت الله روشنی. تهران: یزدان.

۱۱. پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳٦۷). ***فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور***. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۲. پیرنیا مؤتمن الملک، حسین. (۱۳۲٦ق). ***مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه***. تهران: مطبعه فاروس.

۱۳. ترنزیو، پیو کارلو. (۱۳۶۳). ***رقابت‌های روس و انگلیس در ایران و افغانستان.*** ترجمه عباس آذرین. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۴. جوینی، عطاملک (۱۳۶۵). ***تاریخ جهانگشا.*** تصحیح علامه قزوینی. ج۲. تهران: بامداد.

۱۵. ***حکومت سایه‌ها (اسناد محرمانه و سیاسی میرزا حسین‌خان سپهسالار).*** (۱۳۷۲). به کوشش محمدرضا عباسی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، تهران.

۱۶. حمیدی نیا، حسین (۱۳۹۵)، «اسناد تصویری (نقشه) و نوشتاری (کتابچه) منابع آب کلات نادری در دوره قاجاریه». ***اثر.*** (شماره ۷۴)، ۷۴-۶۱.

۱۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). ***لغت‌نامه،*** ج۱۱. تهران: دانشگاه تهران.

۱۸. رکن‌الدوله، محمدتقی میرزا. (۲۵۳۶). ***سفرنامه.*** به کوشش محمد گلبن. تهران: سحر.

۱۹. زالاطارف، کلنل. (۱۳۶۲). ***گزارش کلنل زالاطارف در مجمع سالیانه ارتش روسیه.*** گزارش‌های تاریخی سیاسی علاءالملک، تألیف و تحقیق ابراهیم صفایی. تهران: آباد.

۲۰. صاحب‌دیوان شیرازی، فتحعلی‌خان. (۱۳۶۱). «سفر کلات در سال ۱۳۰۹ق». به کوشش قدرت الله روشنی زعفرانلو. ***فرهنگ ایران‌زمین.*** (شماره ۲۵). صص ۲۰۵-۱۵۵.

۲۱. عتبی، ابونصر. (۱۳۴۵). ***ترجمه جرفادقانی.*** به اهتمام جعفر شعار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۲. عین السلطنه، قهرمان میرزا. (۱۳۷۶). ***روزنامه خاطرات عین‌السلطنه.*** ج۲. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.

۲۳. فردوسی، **ابوالقاسم. (۱۳۸۹). دیوان کامل شاهنامه** فردوسی بر اساس چاپ مسکو. تهران: شهرزاد.

۲۴. قاجار، ناصرالدین، (۱۳۶۴). ***سفر دوم خراسان.*** تهران: کاوش.

۲۵. کاظم بیگی، محمدعلی. (۱۳۹۵). «طرح‌های نظامی و راه‌سازی روسیه تزاری در ایران». ***تاریخ و تمدن اسلامی.*** (شماره ۲۳)، ۱۵۰-۱۱۹.

۲۶. کرمانی، مجد الاسلام. (۱۳۵۰). ***سفرنامه کلات.*** اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۲۷. گرگر، مک. (۱۳۶۶). ***شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان.*** ج۱. ترجمه مجید مهدی زاده. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

۲۸. گرگر، مک (۱۳۶۸). ***شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان.*** ج۲. ترجمه اسدالله توکلی طبسی. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

۲۹. گرودکوف، نیکولای. (بی‌تا). ***جنگ در ترکستان.*** کتابخانه ملک. شماره ثبت ۶۲۳۸.

۳۰. گلبن، محمد. (۱۳۸۳). «نامه‌ها و اسناد و عکس‌های تاریخی؛ پنج نامه از ناصرالدین‌شاه قاجار درباره مسائل مرزی خراسان». ***بخارا.*** (شماره ۳۷)، ۱۹۱-۱۸۲.

۳۱. ماگامان، مستر. (۱۳۰۴ق). ***سفرنامه خیوق.*** ترجمه احمد افندی و محمد عارف. کتابخانه ملی ایران. ج۱. شماره ثبت ۱۷۷۰-ف، تهران.

۳۲. مروی، محمدکاظم. (۱۳۶۹). ***عالم‌آرای نادری.*** تصحیح محمدامین ریاحی. تهران: علم.

۳۳. نجف‌زاده، علی، و مهدی حسامی. (۱۳۹۳)، «کنکاش: کلات و سرخس در آیینه اسناد تصویری». ***کتاب ماه تاریخ و جغرافیا.*** (شماره ۱۹۱)، ۶۱-۵۳.

۳۴. نظرآهاری، رضا، و همکاران. (۱۳۹۱)، ***اسناد تصویری کلات نادری و سرخس،*** اداره نشر وزارت امور خارجه، تهران: جغرافیای سحاب.

۳۵. نوایی، عبدالحسین. (۱۳۷۷). ***اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف الدوله (گزیده اسناد خراسان).*** ج۲. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۳۶. . نیکولایف، ل. (۱۳۸۴). «روابط ایران، بخارا و روسیه در قرن نوزدهم». ***چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی.*** (شماره ۱۶)، ۵۲-۴۷.

اسناد

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)

۳۷. ۱۲۵۳ق، کارتن ۹۹، سریال ۴۸، پرونده ۱۹. «فرار بزرگان خراسان به سمت بجنورد و کلات و ممانعت سلیمان درگزینی برای ورود فراریان به کلات و تحصن آن‌ها در قلعه بجنورد».

۳۸. ۱۲۵۳ق، کارتن ۹۹، سریال ۴۹، پرونده ۱۹. «تاختن آزادخان ترکمان در سرخس و بیرون کلات».

۳۹. ۱۲۵۳ق، کارتن ۹۹، سریال ٦۷، پرونده ۱۹. «فرار سالار و جعفرخان از بجنورد و کلات و برقراری امنیت در خراسان».
۴۰. ۱۲۵۳ق، کارتن ۹۹، سریال ۷، پرونده ۱۹. «نامه مأموران به محمدشاه بابت وجود انتظام در ساخلوی کلات».
۴۱. ۱۲۵۴ق، کارتن ۹۹، سریال ۱۹/۱/۰/۱۹، پرونده ۲۳. ورود سلیمان خان درگزینی به عباس‌آباد و تعهد وی در باب کلات و رفتن به درگز و همراهی با رستم خان چولائی برای ممانعت از تحصن سالار و جعفرخان».
۴۲. ۱۲٦۷ق، کارتن ۹۹، سریال ۳۱۴، پرونده ۳۰. «نامه میرزا آقاخان نوری به شاه و منع گذاشتن افواج خراسانی در کلات».
۴۳. ۱۲٦۹ق، کارتن ۹۹، سریال ۱۰۳، پرونده ۲۵. «عریضه‌ای مبنی بر ممکن نبودن تأمین امنیت سرحد و کلات با ۲۰۰ سوار و ۵۰ شمخالچی و رفع این ایراد به کار گرفتن ۴۰۰ سوار و شمخالچی باهمان مواجب قبلی».
۴۴. ۱۲٦۹ق، کارتن ۹۹، سریال ۲۸، پرونده ۳۱. «درخواست ترتیب قراری جهت مأمور کردن قشون به مناطق چون مرو و خراسان به جهت متفرق بودن قشون درنتیجه نبود بودجه کافی».
۴۵. ۱۲٦۹ق، کارتن ۹۹، سریال ۵۸، پرونده ۳۱. «حرکت سواران ترکمان از طرف خارزم و سرخس به سرحد خراسان».

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

۴٦. بی‌تا. شماره سند ۲۹۷۹/۲۹۵، برگ ۲-۱. «دستخط شاه در مورد جمع‌آوری قشون از خراسان و دیگر مناطق به سرکردگی حشمت الدوله جهت تنبیه ترکمانان آخال و لزوم تشکیل مجلس جهت بررسی این طرح».
۴۷. ۱۲۸٦ق. شماره بازیابی ۲۲۵۹/۲۹۵، برگ ۱. «گفتگو بر سر قزل سو با روسیه».
۴۸. ۱۲۹۷ق. آلبوم بیوتات شماره ۲-۵۳۷، شماره سند ۷۷۵۲/۲۹۵، برگ ۱۰. «نامه‌ها و گزارش‌های مستشارالملک پیشکار مالی خراسان. اهتمام جهت آبادی کلات، ابیورد، سرخس، مشهد، بجنورد، قوچان، درگز قلاع و ساخلوهای سرحدی ولایات مزبور».
۴۹. ۱۲۹۷ق. آلبوم بیوتات شماره ۲-۵۳۷، شماره سند ۷۷۵۲/۲۹۵، برگ ۵۴-۱. «نامه‌ها و تلگراف‌هایی از طرف مستشارالملک، عضدالدوله و نایب‌السلطنه امیرکبیر به دربار».
۵۰. ۱۲۹۷ق. آلبوم بیوتات شماره ۲-٦۲۹، شماره سند ۷۹۸۳/۲۹۵، برگ ۱۳۱. «تلگراف رکن‌الدوله از ارض اقدس به امین السلطان در مورد مراقبت از تبعه روس هنگام ورود به خراسان».
۵۱. ۱۲۹۷ق. آلبوم بیوتات شماره ۱-۵۳۷، شماره سند ۷۷۷۲/۲۹۵، برگ ٦۵. «گزارش مراوده رعایای قلاع درگز و قازی قلعه با روس‌ها».
۵۲. ۱۲۹۸ق. آلبوم بیوتات شماره ۳-٦۳۲، شماره سند ۷۹۸٦/۲۹۵، برگ ۷٦. «نوشتجات محمدتقی رکن‌الدوله والی خراسان، توضیح درباره سختگیری در نظارت بر رفتار روس‌ها در سرحدات».
۵۳. ۱۳۰۰ق. آلبوم بیوتات شماره ۲-۵۴۱، شماره سند ۷٦۴۲/۲۹۵، برگ ۵۱. «حضور سهام الدوله و پلنگ توش خان در کلات».
۵۴. ۱۳۰۲-۱۳۰۳ق. آلبوم بیوتات شماره ۱-۴۴۵، شماره سند ۷۵۵۰/۲۹۵، برگ ۱۵۴. «نامه‌ها و گزارش‌های آصف الدوله به امین سلطان و ناصرالدین‌شاه، ابلاغ دستور عدم ورود بیگانگان به کلات بدون اخذ مجوز از شاه».
۵۵. ۱۳۰۱ق. آلبوم بیوتات شماره ۱-۴۴۳، شماره سند ۷۵۴۲/۲۹۵، برگ ۳۳. «نامه‌ها و گزارش‌های آصف الدوله به امین سلطان و ناصرالدین‌شاه، عدم پرداخت حقوق گمرکی توسط تجار خراسان و لزوم مذاکره وزارت خارجه با سفارت روس در این زمینه در داخل و سرحدات».
۵٦. ۱۳۰۱ق، آلبوم شماره ۵/۵، برگ ۱٦۷-۱۷۱. «دستورات صدراعظم به حکام شهرها و ولایات در دوره ناصری».
۵۷. ۱۳۰۱ق. آلبوم بیوتات شماره ۱-۴۴۳، شماره سند ۷۵۴۲/۲۹۵، برگ ٦۷. «نامه‌ها و گزارش‌های آصف الدوله به امین سلطان و ناصرالدین‌شاه، ممانعت از عزیمت کاپیتان لو به کلات بدون اجازه دولت».
۵۸. ۱۳۰۳ق. آلبوم بیوتات شماره ۱-۵۰۲، شماره سند ۷٦۵۳/۲۹۵، برگ ۲۸. «نامه‌ها و گزارش‌های محمود خان ناصرالملک، حضور قشون روس در سرخس و پل خاتون».
۵۹. ۱۳۰۳ق. آلبوم بیوتات شماره ۲-۵۰۵، شماره سند ۷٦٦۹/۲۹۵، برگ ۱۰۱. «نامه‌ها و گزارش‌های محمود خان

ناصرالملک. تعدی روس‌ها و نیروی نظامی آن‌ها به ولایات سرحدی خراسان».
۶۰. ۱۳۰۱ق. آلبوم بیوتات شماره ۱-۵۴۹، شماره سند ۲۹۵/۷۸۲۲، برگ ۱۲-۹۵. «نوشتجات و گزارش‌هایی از تحولات سرحدی خراسان در دوره ناصری».
۶۱. ۱۳۰۱ق. آلبوم بیوتات شماره ۱-۵۴۹، شماره سند ۲۹۵/۷۸۲۲، برگ ۱۵-۱۱. نوشتجات و گزارش‌هایی از تحولات سرحدی خراسان در دوره ناصری.
۶۲. ۱۳۰۵ق. آلبوم بیوتات شماره ۱-۵۴۳، شماره سند ۲۹۵/۷۶۴۰، برگ ۸۹. «گزارش آلامان ترکمن‌های تکه، ساروق به سرخس، درگز و کلات و پشت کوه و دفع آن توسط قراولان خراسان».
۶۳. ۱۳۰۹ق. شماره سند ۲۹۶/۱۳۴۰۶، برگ ۲-۱. «قبض پرداخت جیره محمدرضا سلطان توسط بهبود خان حاکم کلات».
۶۴. ۱۳۳۸ق. شناسه سند ۲۴۰/۴۹۶۰، برگ ۱-۷۲. «اجاره اراضی خالصجات دره جز کلات خراسان».

نشریات

۶۵. ***روزنامه اختر***. ۱۲۹۹ق. سال هشتم. شماره ۴.
66. Allworth, Edward. (1967): ***central asia, a century russia rule***. Newyork and London: Columbia University Press.
67. Curzon, G.N. (1889). ***Russia in Central Asia***. London: Longmans.
68. Division of the Chief of the Staff, Intelligence Branch, Russian Military Designs in Persia, a Strategical Fragment, secret, Simla, (1909): India Office, L/MIL/17/15/26.
69. Dobson, George. (1890). ***Russia's Railway Advance Into Central Asia***. London: Illustrated.
70. Kuropatkin, Gen. A. (1909): ***The Russian Army and Russo-Japanese War***. translated into English by Captain A. B. Lindsay, New York: E. P. Dutton and Company.
71. Gerace, Michael P. (2004). ***Military power, conflict, and trade***, London: Frank cass Publishers.
72. Sahadeo, Jeff. (2007). ***Russian colonial Society in Tashkent, 1865-1923***, Bloomington: Indiana university Press.